

همراهی فعل منتسب به خواننده و فعل زیان دیده

ژنویو وینی - پاتریس ژوردن *

ترجمه: مجید ادیب **

مقدمه مترجم

فصل اول - تأثیر فعل زیان دیده بر حق جبران خسارت خود او

بخش اول - تأثیر تقصیر زیان دیده

کاهش مسؤولیت خواننده

گفتار اول - دامنه اصل کاهش مسؤولیت خواننده بر اثر تقصیر زیان دیده

که دارای ویژگیهای قوه قاهره نباشد

الف - دامنه اجرایی اصل کاهش مسؤولیت

* . Geneviev Viney et Patrice Jourdain.

استاد دانشگاه سوربن پاریس.

** . پژوهشگر.

- ۱- کلیت اصل
- ۲- رویه قضایی مبتنی بر رأی دُمار
- ۳- تأثیر «فعل بدون تقصیر» زیان دیده بر حق جبران خسارت او

ب - استثنائات وارده بر اصل کاهش مسؤولیت

- ۱- زیان دیدگان از جرایم مالی
 - ۲- زیان دیدگان از حوادث رانندگی
- گفتار دوم - اعمال کاهش مسؤولیت به علت تقصیر زیان دیده، که دارای ویژگیهای قوه قاهره نباشد
- ۱- دامنه کاهش
 - ۲- ارزیابی تقصیر زیان دیده و ویژگی سببی آن در رویه قضایی
 - ۳- تقصیر زیان دیدگان فاقد عقل
 - ۴- ارزیابی انتقادی
- بخش دوم- تأثیر «عوارض پیشین» زیان دیده
- ۱- مخالفت با کاهش مسؤولیت خواننده
 - ۲- ارزیابی

فصل دوم - تأثیر فعل زیان دیده مستقیم بر حق جبران خسارت زیان دیدگان غیر مستقیم

آیا تقصیر زیان دیده مستقیم، علیه زیان دیدگان غیر مستقیم، قابل
استناد است؟

الف - نظریه های حقوقی

دلایل موافق و مخالف قابلیت استناد به تقصیر زیان دیده مستقیم،
علیه زیان دیدگان غیر مستقیم

ب - موضع رویه قضایی

قابلیت استناد به تقصیر زیان دیده مستقیم علیه زیان دیدگان
غیر مستقیم



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه مترجم

منظور از «همراهی» فعل منتسب به خواننده و فعل زیان‌دیده، این است که فعل هر دوی آنها در ایراد خسارت به زیان‌دیده، تأثیر داشته باشد. عبارت «فعل زیان‌دیده»، معنایی گسترده‌تر از «تقصیر زیان‌دیده» دارد. تقصیر زیان‌دیده، هرگونه عمل تقصیر‌آمیز زیان‌دیده است که در ایراد خسارت به خود او نقش داشته است. اما فعل زیان‌دیده، علاوه بر تقصیر، شامل هرگونه فعل بدون تقصیر و هر نوع حالت زیان‌دیده است که در ایراد خسارت به او و یا در تشدید خسارت او نقش ایفا کرده است. در گفتار حاضر نیز، «فعل» زیان‌دیده مورد بررسی قرار گرفته است. این گفتار، ترجمه‌ای است از بخشی از کتاب «شرایط مسؤولیت»، اثر مشترک خانم ژنویو وینی و آقای پاتریس ژوردن که هر دو از استادان ممتاز دانشگاه سوربن پاریس و از برجسته‌ترین متخصصان مسؤولیت مدنی هستند. این اثر که در میان منابع علمی مربوط به مسؤولیت مدنی، از اعتبار ویژه‌ای برخوردار است، یکی از مفصل‌ترین آثاری است (در حدود یک‌هزار و دویست صفحه) که در سالهای اخیر در این زمینه به رشته تحریر درآمده و کلیه مطالب آن، با مقررات جدید و رویه قضایی نوین فرانسه، هماهنگ شده است و بدون تردید، در میان منابع جدید حقوق مسؤولیت مدنی در فرانسه، یکی از مهمترین منابع محسوب می‌شود. این کتاب در مجموعه «دوره حقوق مدنی»، زیر نظر پروفیسور ژاک گستن و در سال ۱۹۹۸ انتشار یافته است.^۱ این گفتار، با عنوان «همراهی

۱. مشخصات مأخذ مقاله عبارت است از:

Geneviève Viney et Patrice Jourdain, Sous la direction de Jacques Ghestin, *Traité de droit civil, Les conditions de la responsabilité*, 2^e éd. L.G.D.J. 1998.

عنوان مبحثی که از این کتاب، ترجمه شده است، به زبان فرانسه، به این شرح است:

LE CONCOURS ENTRE LE FAIT IMPUTÉ AU DÉFENDEUR ET LE FAIT DE LA VICTIME, p.285 à 312.

فعل منتسب به خواننده و فعل زیان‌دیده»، شامل دو فصل است: فصل اول، «تأثیر فعل زیان‌دیده بر حق جبران خسارت خود او»، مشتمل بر: بخش اول - تأثیر تقصیر زیان‌دیده و بخش دوم - تأثیر عوارض پیشین زیان‌دیده و فصل دوم، «تأثیر فعل زیان‌دیده مستقیم بر حق جبران خسارت زیان‌دیدگان غیرمستقیم». لازم به ذکر است که آقای پاتریس ژوردن، از سال ۱۹۸۸ تاکنون، در فصلنامه حقوق مدنی، رویه قضایی روز فرانسه را در زمینه مسؤلیت مدنی تحلیل می‌کند که با توجه به این تحلیلها پس از سال ۱۹۹۸ (سال انتشار کتاب شرایط مسؤلیت) تاکنون، تغییری در حقوق فرانسه، در زمینه موضوع مورد بحث، مشاهده نمی‌شود.

ضمناً به منظور آگاهی علاقمندان و پژوهشگران، کلیه ارجاعات و منابع نیز در زیرنویس‌ها درج شده است.

واژگان کلیدی:

فعل زیان‌دیده، خواننده، معافیت خواننده، کاهش مسؤلیت، تقسیم مسؤلیت، رأی دیوان عالی کشور، عارضه‌های پیشین زیان‌دیده، زیان‌دیده مستقیم و غیرمستقیم، تعهد تضامنی.

همراهی فعل منتسب به خواننده و فعل زیان‌دیده

برای آنکه این همراهی وجود داشته باشد، فعل منتسب به زیان‌دیده، علاوه بر اینکه باید برای خواننده، «پیش‌بینی‌ناپذیر و گریزناپذیر» باشد، باید در ایراد خسارت تأثیر داشته باشد. در این صورت، خواننده برای جلوگیری از آنکه محکوم به جبران کامل خسارت شود، به این وضعیت، استناد می‌کند. اما موقعیت خواننده، برحسب اینکه توسط خود زیان‌دیده مستقیم، تحت پیگرد قرار گرفته باشد و یا «زیان‌دیدگان غیرمستقیم» علیه او شکایت کنند، کاملاً به یک شکل نیست.

فصل اول - تأثیر فعل زیان‌دیده بر حق جبران خسارت خود او

مفهوم «فعل زیان‌دیده» که بتواند در مسؤولیت خواننده تأثیر داشته باشد، هم شامل تقصیر زیان‌دیده است و هم عارضه‌های پیشین او. هر یک از این دو وضعیت، آثار ویژه خاص به خود را دارد.

بخش اول - تأثیر تقصیر زیان‌دیده

کاهش مسؤولیت خواننده^۲

تعیین آثاری که شایسته است تا برای تقصیر زیان‌دیده - در صورتی که دارای ویژگیهای قوه قاهره نباشد - در نظر گرفته شود، توجه دکتورین

2. Exonération partielle du défendeur.

اگرچه ترجمه دقیق این عبارت، «معافیت جزئی خواننده» است، اما چون این معافیت جزئی، معنایی جز «کاهش مسؤولیت» ندارد و عبارت اخیر، آشنا تر و روان تر نیز هست، لذا در ترجمه، عمدتاً از همین عبارت استفاده شده است.

حقوقی را به خود جلب نموده است.^۳

اگر فرض بر این باشد که خواننده و زیان‌دیده، به طور مشترک، باعث ایراد خسارت شده‌اند، شاید طبیعی باشد که قاعده «تعهد تضامنی» به اجرا درآید. در نتیجه، شخص ثالثی که به عنوان «مسئول»، تحت تعقیب قرار گرفته است نمی‌تواند با استناد به تقصیر زیان‌دیده، حتی به طور جزئی، از مسئولیت معاف شود. این راه‌حل، با نظریه‌ای که معتقد است چون رابطه سببیت، مطلقاً غیرقابل تقسیم است پس تعهد باید تضامنی باشد، هماهنگ است. با وجود این، طرفداران این نظریه، همگی تا این حد پیش نمی‌روند، زیرا برخی می‌پذیرند که در این صورت، میان مرحله تعهد و مرحله مشارکت عملی در پرداخت خسارت، تفاوتی وجود دارد و این به خواننده امکان می‌دهد تا غرامت کمتری بپردازد.^۴

تحلیل دیگری نیز در مورد تأثیر تقصیر زیان‌دیده در کاهش مسئولیت عامل خسارت ارائه شده است که نتیجه مشابهی دربردارد. این تحلیل، کاهش غرامت قابل پرداخت به زیان‌دیده را مجازات عملکرد

۳. به ویژه رک.

C.LAPOYADE DESCHAMPS, *La responsabilité de la victime*, th. Bordeaux, 1977, préface A. Tunc.

L.JOSSERAND, *La responsabilité envers soi-même*, DH 1934, ch. p. 73.

منبع نخست که یک پایان‌نامه دکتراست، یکی از مهمترین آثاری است که تاکنون در فرانسه در مورد فعل زیان‌دیده ارائه شده است و همین که حقوقدان نامداری مانند آندره تنک، راهتمایی آن را به عهده داشته و بر آن مقدمه نوشته است نشان بزرگی از اعتبار این پایان‌نامه است (مترجم).

۴. رک.

F. CHABAS, *L'influence de la pluralité de causes sur le droit à réparation*, n^o 47, *Fait ou faute de la victime*, D., 1973, ch. p.207.

تقصیر آمیز خود او می‌داند و تا حدودی متکی بر ایده کیفر خصوصی است^۵ که هنوز در حقوق فرانسه، نمونه‌هایی از آن وجود دارد.^۶ این توجیه، که شاید صحیح‌تر باشد، دشوار بودن این تصور را که شخص واقعاً در برابر خودش، مسؤولیت مدنی داشته باشد در نظر می‌گیرد و معتقد است که اگر وجود مسؤولیت در برابر خود، امکان‌پذیر باشد، این مسؤولیت، فقط می‌تواند کیفری باشد. بنابراین، تقسیم، صرفاً نشان اراده «مجازات کردن» زیان‌دیده خطا کار است. می‌توان پذیرفت که گهگاهی شدت تقصیر ارتکاب یافته توسط زیان‌دیده، می‌تواند او را از حق جبران خسارت، محروم کند. در نتیجه، مسؤول به طور کامل از تکلیف جبران خسارت، معاف می‌شود.

مطالعه سیستمهای حقوقی بیگانه نشان می‌دهد که در هیچ جایی، تقصیر زیان‌دیده، در ارزیابی میزان غرامت، بی‌تأثیر نبوده است.^۷ با وجود این، امروز در حقوق تطبیقی، راه‌حلهای بسیاری وجود دارند که گاه جبران خسارت را به کلی منتفی می‌کنند، مگر آنکه خواننده مرتکب تقصیر عمدی شده باشد (مانند کامن‌لا) و گاه نیز خسارت را به طور کامل قابل جبران می‌دانند مگر آنکه زیان‌دیده مرتکب تقصیر سنگین شده باشد، مانند قانون

5. B.STARCK, *La pluralité des causes du dommages...*, ch.préc., JCP, 1970.1.2339, n° 57.
B.STARCK, H.ROLAND de BOYER, *Obligations*, t.1, *Responsabilité délictuelle*, 4^e éd., n° 1291. B.PUILLI, *Gravité ou causalité de la faute de la victime en responsabilité civile*, D., 1984, ch. p.58.

6. S.CARVAL, *La responsabilité civile dans sa fonction de peine privée*, LGDJ, 1995, préface G.VINEY.

به ویژه در مورد تنبیه زیان‌دیده، مراجعه شود به شماره ۲۷۵ به بعد اثر مذکور.

7. V.A.M. HONORÉ, *International Encyclopedia of comparative law*, vol. XI, *Torts*. chap. 7, n°s 146 et 147.

مدنی ۱۹۶۴ شوروی سابق. شیوه‌های بسیار متنوعی از تقسیم مسئولیت نیز وجود دارد. به طور کلی، هنوز تقصیر زیان‌دیده، به عنوان عامل کاهش حق جبران خسارت، تا حدود زیادی توسط سیستم‌های حقوقی مورد توجه قرار می‌گیرد. اما همانطور که یکی از نویسندگان اشاره می‌کند، «هرچند خطرناک است که تجارب متفاوت کشورهای مختلف را تعمیم داد، اما حداقل در جوامع مترقی، می‌توان تحولی را مشاهده کرد که می‌کوشد تا جبران خسارت را هم‌پای توسعه اقتصادی، کامل‌تر کند. تقصیر زیان‌دیده که نخست یک مانع مطلق در برابر جبران خسارت بود، صرفاً به یک عامل کاهش غرامت تبدیل می‌شود و در نهایت، به طور کامل، نادیده گرفته می‌شود مگر اینکه به شدت سنگین و یا مشهود باشد».^۸

آیا چنین تحولی در فرانسه هم رخ داده است؟ پاسخ به این پرسش دشوار است، زیرا دکتترین حقوقی و رویه قضایی، راه کاملاً جدایی را در پیش گرفته‌اند. بسیاری از نویسندگان، تغییراتی را که بر اثر توسعه سیستم‌های تأمین اجتماعی و به ویژه بیمه، در مورد مسأله تأثیر تقصیر زیان‌دیده به وجود آمده است مورد بررسی قرار داده‌اند. آنها به ویژه نشان داده‌اند که این سیستم‌ها، دست کم در قلمرو حوادث، به نحو مؤثری از زیان‌دیده حمایت می‌کنند. امروزه مسأله تقصیر زیان‌دیده در زمینه حوادث، مشکل جدی ایجاد می‌کند و این در حالی است که این تقصیر، معمولاً از هیچ شدتی برخوردار نیست و مجازات کردن این تقصیر، از راه محروم کردن زیان‌دیده از غرامت، هیچگونه نقش مؤثری در زمینه پیشگیری از ورود خسارت، ایفا نمی‌کند. این نویسندگان معتقدند که مجازات کردن

8. V.A.M. HONORÉ, op.cit., n° 147.

زیان دیدگانی که خود متحمل زیان شده‌اند و اغلب هم، شدیداً تحت تأثیر این زیان قرار گرفته‌اند، آن هم در حالی که مسؤول بیمه شده، متحمل آثار تقصیرهایش نمی‌شود، امری ناعادلانه است. بنابراین، آنها بر این باورند که فقط، تقصیر شدید یا تقصیر نابخشودنی^۹ زیان دیده می‌تواند خواننده را از جبران بخشی از خسارت معاف کند و لذا تقصیر ساده - دست کم، در مواردی که خواننده بیمه شده باشد - نباید بر حق جبران خسارت زیان دیده تأثیری داشته باشد.^{۱۰}

این پیشنهادها که کاملاً معقول به نظر می‌رسند در قانون ۵ ژوئیه ۱۹۸۵ راجع به جبران خسارت زیان دیدگان حوادث رانندگی، تأثیرات زیادی بر جای گذاشته‌اند. اما در قواعد عمومی مسؤولیت مدنی، تأثیر اندکی داشته‌اند. در اینجا آثار این اصل راه، هم از بُعد دامنه آن و هم از بُعد اجرای آن، مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۹. در مورد مفهوم تقصیر نابخشودنی رک. اصول مسؤولیت مدنی، پاتریس ژوردن، ترجمه مجید ادیب، نشر میزان، زمستان ۸۲، ص ۷۴.
۱۰. در این زمینه رک.

A.TUNC, *La sécurité routière*. Paris. LGDJ, 1966; *La responsabilité civile*, 2^e éd. 1989, Économica; *Sur un projet de loi en matière d'accidents de la circulation*, *RTD civ.*, 1967, p.82; *Les causes d'exonération de la responsabilité de plein droit de l'art. 1384, alinéa 1^{er}*, D., 1975, ch. p. 83; *Les paradoxes du régime actuel de la responsabilité de plein droit*, D., 1976, ch. p. 13; *La responsabilité civile*, Économica, 1981; *Accidents de la circulation: faute ou risque*, D., 1982, ch. p. 103; C. LAPOYADE DESCHAMPS, th. préc., notamment, p.625 à 629. Adde, dans le même sens; G.BRIÈRE DE L'ISLE, *La faute inexcusable*, D., 1970, ch. p. 73; G.VINEY, *Remarques sur la distinction entre faute intentionnelle, faute inexcusable et faute lourde*, D., 1975, ch. p. 263; *La faute de la victime d'un accident corporel: le présent et l'avenir*, *JCP*, 1984.1.3155; Ph. LE TOURNEAU et L. CADIET, *Droit de la responsabilité*, n^o 965.

گفتار اول - دامنه اصل کاهش مسؤولیت خواننده بر اثر تقصیر زبان‌دیده که دارای ویژگیهای قوه قاهره نباشد

با وجود برخی معایب اصل کاهش مسؤولیت - که البته تأثیری عمیق یا طولانی بر این اصل نداشته‌اند - رویه قضایی، دامنه گسترده‌ای برای این اصل قائل است. در عین حال، در مواردی خاص در حقوق موضوعه، استثنائاتی بر آن وارد شده است که البته یکی از این استثنائات، دامنه عملی بسیار گسترده‌ای دارد. دکترین حقوقی، انتقاداتی را بر این استثنائات نیز وارد کرده است، همانطور که اصل کاهش مسؤولیت را مورد انتقاد قرار داده است که پیشتر به آن اشاره شد.

الف- دامنه اجرایی اصل کاهش مسؤولیت

۱- کلیت اصل

مدتی طولانی است که دادگاههای مدنی این اصل را پذیرفته‌اند و روزانه آن را به اجرا درآورده‌اند. "شورای دولتی فرانسه" نیز این رویه را مورد تأیید قرار داده است. اما مدتها بود که دادگاههای کیفری با این اصل

11 . C.LAPOYADE DESCHAMPS, op.cit., p. 155 et s.

۱۲. «Conseil d'État» نهادی است که در رأس سلسله مراتب ساختار اداری قرار دارد و از صلاحیتهای قضایی و اداری برخوردار است. رسیدگی به شکایات علیه مصوبات دولتی، کنترل روند قانونی امور در دستگاه دولت، رسیدگی به تجدیدنظرخواهی علیه آرای صادره از دادگاههای اداری و رسیدگی نهایی به کلیه اعتراضات علیه هرگونه رأی صادره در مرحله نهایی، توسط کلیه محاکم اداری، از وظایف این شورا است. شورای دولتی، در مورد لوایح قانونی، آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها، اعلام نظر می‌کند. آیین‌نامه‌های مصوب قوه مجریه که برای اجرای قوانین به تصویب رسیده باشند، باید الزاماً به تأیید شورای دولتی برسند.

M. Fontaine, R.Cavalerie et J.A. Hassenforder, *Dictionnaire de droit*, Foucher, 1996, p.90

(مترجم).

مخالفت می کردند و وقتی که یک دعوای مدنی در این دادگاهها اقامه می شد، اعلام می کردند که خسارت زیان دیده مقصر، باید به طور کامل جبران شود، مگر اینکه او مستقیماً در ارتکاب جرم شرکت کرده باشد.^{۱۳} این تعارض در رویه قضایی که عمدتاً ناشی از ویژگیهای خاص قواعد دادرسی کیفری بود، عملاً عامل خسارت را - هنگامی که محکوم به جبران کل خسارت می شد - بر آن می داشت تا برای بازیافت بخشی از غرامت که پرداخت کرده است، در دادگاه مدنی اقامه دعوا کند. بنابراین، برای جلوگیری از این عیب، می بایست به این تعارض رویه، خاتمه داده می شد و به همین منظور، هیأت شعبه مختلط که متشکل از اعضای چند شعبه دیوان عالی کشور است، تشکیل شد و در ۲۸ ژانویه ۱۹۷۲، با صدور رأی خود، رویه سنتی دادگاههای مدنی را تأیید کرد. هرچند که این رأی، مربوط به یک جرم بی احتیاطی بود (مربوط به یک حادثه رانندگی ناشی از عمل راننده ای که مست بود و زیان دیدگان نیز شاهد مشروب خوری او بودند)، ولی دیوان عالی کشور در رأی خود، از یک بیان کلی استفاده کرد، لذا می توان آن را بر همه جرایم، قابل اعمال دانست. با وجود این، شعبه کیفری دیوان عالی کشور، بلافاصله، همه نکات این رأی را به اجرا درنیاورد، زیرا بارها رأی صادر کرد که در صورت ایراد ضرب و جرح عمدی متقابل، غرامت فقط در صورتی باید کاهش پیدا کند که متهم، به عذر تحریک، استناد کند.^{۱۴}

۱۳. در مورد این وضعیت رویه قضایی رک.

E.SCHAEFER, *La faute de la victime et la réparation in Quelques aspects de l'autonomie du droit pénal*, p. 377 et s; Ph. LE TOURNEAU, *La règle nemo auditur...*, LGDJ, p.66. et s.

۱۴. با وجود این، مکرراً پذیرفته شده است که تحریک در مورد جرم ایراد ضرب و جرح عمدی می تواند مسؤولیت را تخفیف دهد.

بنابراین، وحدت رویه قضایی مدنی و کیفری، فقط به مورد جرایم غیر عمدی، محدود می‌شد^{۱۵} و این مطابق پیشنهادهای دادستان کل، لیندون (Lindon) است که در ذیل رأی شعبه مختلط دیوان کشور^{۱۶} آمده بود، اما بعدها این محدودیت برداشته شد و بعد از آن، شعبه کیفری تقسیم مسؤلیت را - حتی اگر میان زیان‌دیده و مباشر جرم عمدی علیه شخص، عذر تحریک وجود نداشته باشد - می‌پذیرد.^{۱۷}

تنها محدودیتی که هنوز رویه قضایی کیفری، به دلایل خاص، در زمینه تأثیر تقصیر زیان‌دیده، در مورد اصل کاهش مسؤلیت، قائل می‌شود در مورد جرایم عمدی علیه اموال است.

بنابراین، امروزه، اصل کاهش مسؤلیت، به درجه بالایی از کلیت رسیده است و رویه قضایی، حتی در موردی که زیان‌دیده، مسؤول فعل دیگری باشد نیز قائل به این تأثیر است، مانند موردی که خواننده بتواند در برابر زیان‌دیده، به فعل فرزند کوچک او یا فعل گماشته‌اش استناد کند. بنابراین، زیان‌دیده در حالی مسؤول شناخته می‌شود که تقصیری از او به اثبات نرسیده است و این با کارکردهای کیفردهی و پیشگیرانه مسؤولیت زیان‌دیده، چندان سازگار نیست. وقتی که زیان‌دیده یک کارفرما باشد -

۱۵. اصل کاهش مسؤولیت به علت تقصیر زیان‌دیده، به وفور در مورد قتل و جرح ناشی از بی‌احتیاطی، اعمال می‌شود.

۱۶. شعبه مختلط از مراجع دیوان عالی کشور است که از دادرسان دو یا چند شعبه دیوان (۹ تا ۲۵ مستشار) تشکیل می‌شود. ارجاع به آن - که گاهی اختیاری و گاهی الزامی است - وقتی صورت می‌گیرد که یک مسأله مهم، در صلاحیت چند شعبه دیوان عالی کشور باشد یا اینکه این امکان وجود داشته باشد که در مورد یک مسأله قضایی، آرای متعارضی صادر شود.

Lexique des termes juridiques, Sous la dir. de R. Guillien, J. Vincent, S. Guinchard et G. Montagnier, 13^e éd. Dalloz, 2001, p.95 (مترجم).

۱۷. حداقل در مورد جرم ایراد ضرب و جرح عمدی اینگونه بوده است.

که بدون آنکه مرتکب تقصیر شده باشد، مسئول شناخته می‌شود، در صورتی این رویه قضایی بحث‌برانگیز قابل توجیه است که تقصیر زیان‌دیده، با تقصیر اشخاص تحت مسئولیت او یکی دانسته شود.

۲- رویه قضایی مبتنی بر رأی دُمار^{۱۸}

در طی مدتی کوتاه، رأی ۲۱ ژانویه ۱۹۸۲، صادره از شعبه دوم مدنی دیوان کشور، لطمه شدیدی به اصل کاهش مسئولیت ناشی از تقصیر زیان‌دیده وارد کرد. این رأی با تغییر دادن جهت رویه قضایی، توفانی در قواعد مسئولیت ایجاد کرد، زیرا دیوان عالی کشور، با این رأی، مانع از آن شد که نگهدارنده یک شیء بی‌جان، بتواند با استناد به تقصیر زیان‌دیده، مسئولیت خود را کاهش دهد. مراجع قضایی دیگر، از جمله شعبه کیفری دیوان عالی کشور، به طور گسترده از این رأی، تبعیت کردند. هرچند که این رأی، فقط به مسئولیت بند اول ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی ربط داشت،^{۱۹} اما راه‌حل آن به طور منطقی بر مسئولیت ماده ۱۳۵۸ قانون مدنی - که ناشی از فعل حیوان است - نیز اعمال شد، اما دیگر انواع مسئولیت مانند مسئولیت ناشی از فعل شخصی، مبتنی بر مواد ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ قانون مدنی و مسئولیت قراردادی، مشمول این رویه قضایی قرار نگرفتند.^{۲۰} اگرچه دامنه اجرایی

18 . Desmares.

۱۹. بند ۱ ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی فرانسه:

«هرکس نه تنها مسئول خسارتی است که با عمل خود به بار می‌آورد بلکه مسئول خسارات وارده توسط اشخاص تحت مسئولیت یا اشیای تحت نگهداری خود نیز هست».

۲۰. ماده ۱۳۸۲: «هر عمل انسان که به دیگری زیان برساند، کسی را که بر اثر عمل او زیان به بار آمده ملزم می‌کند که آن را جبران نماید».

ماده ۱۳۸۳: «هرکس علاوه بر آنکه مسئول خسارت ناشی از عمل خود است مسئول خسارت ناشی از سهل‌انگاری یا بی‌احتیاطی خود نیز هست».

رویه قضایی دُمار به مسؤولیت قهری نگهدارنده شیء بی جان یا حیوان محدود شده بود، اما از اهمیت قابل توجهی برخوردار بود و شعبه دوم مدنی دیوان عالی کشور، تردیدی در این نمی کند که تقسیم مسؤولیت را مردود اعلام کند.

اما این رویه قضایی، مورد قبول همه واقع نشده، زیرا بسیاری از دادگاهها از اجرای آن، خودداری می کردند و در دکترین حقوقی نیز چندان از آن استقبال نشد. اگرچه برخی از نویسندگان، با ابراز تردیدهای جدی درباره مبنای این رأی، خطمشی دیوان عالی کشور را تأیید کردند،^{۲۱} اما دیگران انتقادهای کم و بیش تندی را متوجه آن ساختند.^{۲۲} بسیاری از آنها، خواستار دخالت قانونگذار شدند و معتقد بودند که این رأی، در واقع زمینه ساز اصلاحات در قلمرو حوادث رانندگی بوده است که در آن، مسؤولیت بند اول ماده ۱۳۸۴، اصولاً به عنوان اولین مستند قانونی، مورد استناد قرار می گیرد.

این انتقادات و خواسته های دکترین حقوقی برای ایجاد اصلاحات قانونی، تا حدودی مورد توجه قرار گرفتند، زیرا قانون ۵ ژوئیه ۱۹۸۵، راجع

21. C.LARROUMENT et G.DURRY, note et obs. préc. G.VINEY, *L'indemnisation des victimes de dommages causés par le fait d'une chose après l'arrêt de la Cour de cassation du 21 juill. 1982*, D., 1982, ch. p. 201; *La faute de la victime d'un accident corporel: le présent et l'avenir*, JCP, 1984, 1.3155; Y. LAMBERT-FAIVER, *Aspects juridiques, moraux et économiques de l'indemnisation des victimes fautives.*, D., 1982, ch. p. 207.

22. F.CHABAS, note préc., JCP, 1982.II. 19861; *Responsabilité sans partage*, Entretiens de Nanterre, JCP, 1983, éd. E, supplément n° 45; J.BIGOT, *L'arrêt Desmares: retour au néolithique*, JCP, 1982.I.3090; E.BLOCH, *Est-ce le glas du partage de responsabilité?*, JCP, 1982.I.3091- H.MARGEAT, *La relève de la garde par le risque objectif*, Gaz. Pal., 1982, 2, doctr., p. 521; J.L. AUBERT, *L'arrêt Desmares: une provocation à quelles réformes?*, D., 1983, ch. p. 1.

به حوادث رانندگی، علی‌رغم بحثهایی که ایجاد کرد - در مورد یکی از مهمترین مسائل که معافیت ناشی از تقصیر زیان‌دیده است - راه‌حلهایی در نظر گرفت. ملاحظه می‌شود که قانونگذار در زمینه‌ای دخالت کرده است که رأی دُمار با کمترین مخالفت روبرو بوده است، چرا که در این زمینه بیمه، اجباری است. به همین علت، دیوان عالی کشور، بی‌تردید با توجه به این امر که زمینه‌سازی برای اصلاحات، به ثمر رسیده است در ۶ آوریل ۱۹۸۷، جهت رویه قضایی را تغییر داد و مجدداً بر این اصل تأکید کرد که: «اگر نگهدارنده شیئی که موجب خسارت شده است ثابت کند که تقصیر زیان‌دیده، در ایراد خسارت، نقش داشته است از مسؤولیتش کاسته می‌شود». در نتیجه، امروزه رأی دُمار در روند تحول قواعد مسؤولیت مدنی در فرانسه، یک پراتز محسوب می‌شود؛ اما در عین حال، نقش بسیار مفیدی ایفا کرده است، زیرا باعث شد که قانونی درباره حوادث رانندگی به تصویب برسد.

اگرچه در نهایت، تأثیر این دوره از رویه قضایی بر اصل کاهش مسؤولیت ناشی از تقصیر زیان‌دیده، طولانی مدت نبود، اما یک رویه قضایی دیگر، ضرورت ارتکاب تقصیر از سوی زیان‌دیده برای کاهش مسؤولیت خواننده را زیر سؤال برده است.

۳- تأثیر «فعل بدون تقصیر» زیان‌دیده، بر حق جبران خسارت او

مدتی بود که ضرورت ارتکاب تقصیر از سوی زیان‌دیده، به عنوان شرط کاهش مسؤولیت خواننده، مورد انتقاد قرار می‌گرفت.

اما اینکه صرفاً یک فعل، بدون تقصیر زیان دیده بتواند باعث کاهش غرامتی باشد که برعهده عامل خسارت است، مسأله‌ای بود که تا دهه ۱۹۶۰، نه دادگاهها به طور جدی به آن توجه کرده بودند و نه دکتربین حقوقی. با وجود این، پس از صدور چند رأی، که در تحلیل آنها جای تردید وجود داشت^{۳۳} شعبه دوم مدنی دیوان عالی کشور، در ۱۷ دسامبر ۱۹۶۳ صراحتاً این عامل معافیت را پذیرفت. شعبه مذکور، رأیی را به این علت نقض کرد که قضات، معافیت نگهدارنده شیء را وابسته به اثبات تقصیر زیان دیده کرده بودند، «در حالی که از سوی دیگر، فعلی را احراز کرده بودند که اگر با خسارت، رابطه سببیت می‌داشت می‌توانست یک وضعیت خارجی خاص باشد که نگهدارنده را از بخشی از مسؤولیت، معاف کند». بعدها این موضع‌گیری، بارها مورد تأیید قرار گرفت.

در واقع، این رویه قضایی، مورد موافقت همه قرار نگرفت و شعبه اول و سوم مدنی دیوان عالی کشور، صراحتاً با آن مخالفت کردند که این امر، اهمیت راه‌حل جدید در سال ۱۹۶۳ را کاهش داد، زیرا نه در مورد مسؤولیت قراردادی اعمال شد و نه در مورد اموال غیرمنقول، به ویژه مسؤولیت ساختمان‌سازان. به علاوه به نظر می‌رسید که شعبه کیفری دیوان عالی کشور نیز با آن مخالف است.

اما آنچه تعجب‌آور است این است که شعبه دوم مدنی دیوان عالی کشور، پس از آنکه با عباراتی بسیار کلی، بر اصل کاهش مسؤولیت ناشی از فعل بدون تقصیر زیان دیده تأکید کرد، بعداً خودش دامنه اجرایی آن را محدود کرد و به ویژه اعلام داشت که خواننده فقط بر مبنای اصل مسؤولیت

23 . C.LAPOYADEDESCHAMPS, th. préc., p. 569 et 570.

قهری - و نه وقتی که تقصیرش به اثبات رسیده - می‌تواند از این اصل، بهره‌مند شود و به آن استناد کند. سپس از این فراتر می‌رود و فقط «نگهدارنده» شیء را که براساس بند ۱ ماده ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ قانون مدنی^{۲۴} مسؤول شناخته می‌شود را مجاز می‌داند تا به آن استناد کند و دیگر «مسئولان قهری» مانند مالک یک ساختمان را که براساس ماده ۱۳۸۶^{۲۵} علیه آنان شکایت شده باشد، مجاز نمی‌داند که به اصل کاهش مسؤولیت ناشی از فعل بدون تقصیر زیان‌دیده استناد کنند.

این رویه قضایی، درباره فعل بدون تقصیر زیان‌دیده مباحث مهمی را دامن زده است. این مباحث، در درجه اول، به معیار «فعل بدون تقصیر» مربوط می‌شوند، زیرا تردیدی در این نیست که همه افعال زیان‌دیده، خواننده را از مسؤولیت معاف نمی‌کند.^{۲۶} اما مهمتر از آن، مبنای اصل کاهش مسؤولیت خواننده به علت فعل بدون تقصیر زیان‌دیده، جداً مورد مناقشه قرار گرفت.^{۲۷} بیشتر نویسندگانی که این مسأله را مطالعه کردند،

۲۴. ماده ۱۳۸۵: «مالک یک حیوان یا کسی که از آن استفاده می‌کند، در طی مدتی که آن را در اختیار دارد، مسؤول خسارتی است که حیوان به بار آورده است، چه حیوان، تحت نگهداری او باشد و چه سرگردان باشد و یا فرار کرده باشد».

۲۵. ماده ۱۳۸۶: «اگر ساختمان، بر اثر نارسایی در نگهداری یا عیب در ساخت، ویران شود و خسارت به بار آورد، مالک آن، مسؤول خواهد بود».

۲۶. به ویژه رک.

A. TUNC, note D. 1964, p. 569; F. CHABAS, ch. préc., D., 1973, p. 207; B. BONJEAN, *Le fait personnel non fautif dans le droit de la responsabilité civile*, th. Grenoble, 1973; C. LAPOYADE DESCHAMPS, op.cit., p. 612 à 616; G. DURRY, bos. *RTD civ.*, 1975, p. 713; B. PUIILL, *Les caractères du fait non fautif de la victime*, D., 1980, ch. p. 157; J. C. MONTANIER, note *JCP*, 1981. II.19562.

۲۷. به ویژه رک.

C. LAPOYADEDESCHAMPS, op.cit; B. STARCK, ch. préc., *JCP*, 1970.I.2339, note *JCP*, 1973.II.17450; F. CHABAS, ch. préc., D., 1973, ch. p. 207; A. TUNC, note préc., D., 1964, p. 569; G. DURRY, *L'exonération du gardien par le fait de la victime dans le domaine des accidents de la circulation*, *Mélanges Weill*, p. 217 et s.

صراحتاً بیان می‌کنند که این رویه قضایی نه تنها به طور مستقیم، برخلاف روند قواعد مسؤلیت مدنی است. همانطور که می‌دانیم به سمت حمایت از اشخاص آسیب‌دیده پیش می‌رود. بلکه به ویژه تقارنی که ظاهراً به نظر می‌آید میان مسؤلیتهای بدون تقصیر خواننده و زیان‌دیده وجود دارد کاملاً بر اثر بیمه، منتفی شده است، چرا که بیمه، مسؤلیت عامل خسارت را پوشش می‌دهد، نه مسؤلیت زیان‌دیده را. پذیرش اینکه «فعل بدون تقصیر زیان‌دیده» بتواند مسؤلیت خواننده را کاهش دهد، نه تنها باعث برابری دو طرف نمی‌شود، بلکه مسؤلیت زیان‌دیده را تشدید می‌کند و این در حالی است که مسؤلیت عامل خسارت، از پیش، تقریباً به طور کامل از بین رفته بود.

بنابراین رویه‌ای که در سال ۱۹۶۳ توسط شعبه دوم مدنی دیوان عالی کشور، آغاز شده بود به شدت قابل انتقاد بود و لذا حذف آن بسیار مطلوب بود. این رویه توسط رأی دُمار ملغی شد، زیرا این رأی هرگونه معافیت جزئی و به تعبیر دیگر، هرگونه کاهش مسؤلیت نگهدارنده، مبتنی بر رفتار زیان‌دیده را ممنوع می‌دانست. اما وقتی که دیوان عالی کشور در سال ۱۹۸۷، راه‌حل پذیرفته شده در این رأی را کنار گذاشت، رویه‌ای که معتقد به کاهش مسؤلیت بر اثر فعل بدون تقصیر زیان‌دیده بود، هرگز دوباره زنده نشد. بنابراین، امروزه باید این رویه را متروک دانست.^{۲۸}

۲۸. برای مطالعه یک تأیید اخیر و روشن بر لزوم تقصیر زیان‌دیده، برای معافیت جزئی نگهدارنده (که در این مورد، نگهدارنده یک حیوان، مطرح است) رک.
Civ. 2^e, 18 oct. 1995, Bull. civ., II, n^o 242; Resp. civ. et assur., 1995, comm., n^o 352.

ب- استثنائات وارده بر اصل کاهش مسؤولیت

۱- زیان دیدگان از جرایم مالی

اگرچه امروز شعبه کیفری دیوان عالی کشور، اصل تقسیم مسؤولیت میان مباشر یک جرم کیفری و زیان دیده را می پذیرد، اما در مورد برخی از جرایم که نفعی برای مباشر دارد از این اصل تخطی می کند، زیرا پذیرش اینکه میزان غرامت، به علت تقصیر زیان دیده، کاهش پیدا کند به مباشر جرم اجازه می دهد تا بخشی از سود ناشی از جرم را برای خود حفظ کند. بنابراین، مباشر جرم به هیچ وجه، حتی به صورت جزئی نیز نمی تواند از مسؤولیت معاف شود. با وجود این، رویه قضایی به اشکال مختلف، از تأثیر این محدودیت از اصل کاهش مسؤولیت می کاهد. از یک سو، تخطی از اصل کاهش مسؤولیت، فقط شامل جرایم عمدی علیه حق مالکیت است مانند سرقت، کلاهبرداری، خیانت در امانت و صدور چک پرداخت نشدنی. از سوی دیگر، زیان دیده باید صرفاً مرتکب تقصیر سهل انگاری شده باشد و نباید در ارتکاب جرم، مشارکت داشته باشد. در غیر از این موارد، قواعد عمومی تقسیم مسؤولیت، قابل اعمال است.

۲- زیان دیدگان از حوادث رانندگی

استثنای دیگری که بر اصل کاهش مسؤولیت، ناشی از تقصیر زیان دیده، وارد است و دامنه گسترده ای نیز دارد، مبتنی بر قانون ۵ ژوئیه ۱۹۸۵ راجع به بهبود وضعیت زیان دیدگان حوادث رانندگی می باشد. مواد ۳ تا ۶ این قانون، به خواننده (راننده یا نگهدارنده یک وسیله نقلیه موتوری) اجازه می دهند تا به تقصیر زیان دیده استناد کند و بدین ترتیب، قانونگذار

در این زمینه - دست کم نسبت به برخی از طبقات زیان دیدگان و در مورد برخی از زیانها - دامنه بسیار محدودی را در نظر گرفته است و یکی از ویژگیهای بارز قانون مذکور نیز این است که تفاوتی برای زیان دیدگان مختلف حوادث رانندگی قائل شده است.

قانون، نخست به طور ضمنی، زیانهای وارده به اموال را از زیانهای وارده به اشخاص، تفکیک می کند. در مورد دسته اول، تقصیر زیان دیده، موجب کاهش غرامت یا منتفی شدن غرامت می شود (بند اول ماده ۵)^{۲۹} که این چیزی جز اعمال قواعد عمومی نیست. در مورد دسته دوم، باید زیان دیدگان را از یکدیگر تفکیک کرد. وضعیت رانندگان زیان دیده نیز شبیه به زیان دیدگان از خسارات وارده به اموال است. آنها تا حدودی شبیه به زیان دیدگان فدا شده هستند (ماده ۴).^{۳۰} اما کسانی که راننده نباشند، نسبت به قواعد عمومی از وضعیت مناسب تری برخوردارند، زیرا اصولاً خواننده نمی تواند در برابر بسیاری از آنها به تقصیرشان استناد، کند مگر اینکه تقصیرشان، هم نابخشودنی باشد و هم علت منحصر حادثه باشد (بند ۱ ماده ۳).^{۳۱} با وجود این، اگر زیان دیدگانی که آسیب جسمانی دیده اند، زیر شانزده سال، یا بالاتر از هفتاد سال داشته باشند و یا دچار از کارافتادگی حداقل هشتاد درصدی باشند، از یک نظام استثنایی مناسب تری برخوردار

۲۹. بند ۱ ماده ۵: «تقصیر زیان دیده، جبران زیانهای مالی وارده به او را کاهش می دهد و یا منتفی می کند...».

۳۰. ماده ۴: «تقصیر راننده وسیله نقلیه موتوری زمینی، جبران زیانهای او را کاهش می دهد و یا منتفی می کند...».

۳۱. بند ۱ ماده ۳: «خسارت زیان دیدگان، به غیر از رانندگان وسیله نقلیه موتوری زمینی، بدون آنکه تقصیرشان علیه خودشان قابل استناد باشد، قابل جبران است مگر آنکه مرتکب تقصیر نابخشودنی شده باشند که علت منحصر حادثه باشد.».

می‌شوند، زیرا فقط تقصیر عمدی آنها علیه‌شان قابل استناد است (بند ۲ و ۳ ماده ۳).^{۳۲}

بنابراین، قانون ۱۹۸۵ به طور قابل ملاحظه‌ای، وضعیت برخی از زیان‌دیدگانی را که دچار آسیب جسمانی شده‌اند - به غیر از رانندگان - بهبود می‌بخشد، زیرا شرایطی که در آن، تقصیر آنها علیه‌شان قابل استناد است، محدودتر از قواعد عمومی شده است. اما ملاحظه می‌شود که برخلاف آنها، رانندگان، در مقایسه با وضعیتی که پیش از لازم‌الاجرا شدن این قانون وجود داشت - و رویه قضایی دُمار نیز نشان‌دهنده آن بود - در موقعیت نامساعدتری قرار گرفته‌اند، زیرا از این به بعد، همیشه تقصیر ساده آنها نیز علیه‌شان قابل استناد است و می‌تواند مانع هرگونه جبران خسارت آنها باشد. بدین ترتیب می‌بینیم که گرچه نمی‌توان استثنائات وارده بر اصل کاهش مسؤلیت، به علت تقصیر زیان‌دیده را نادیده گرفت - چرا که عمدتاً به نفع عابران و سرنشینان وسایل نقلیه موتوری زمینی هستند - اما آن جایگاهی را که شاید انتظار می‌رفت در زمینه حوادث رانندگی برای آنها در نظر گرفته شود، پیدا نکردند. به اعتقاد ما، این استثنائات آغاز راهی هستند که دست کم در زمینه آسیبهای جسمی ناشی از حادثه، باید ادامه پیدا کند.

۳۲. بند ۲ ماده ۳: «اگر زیان‌دیدگان مذکور در بند پیشین، کمتر از شانزده سال، یا بیشتر از هفتاد سال داشته باشند و یا به هنگام حادثه، دارای مدرکی باشند که نشان دهد، حداقل، دچار از کارافتادگی هشتاد درصدی هستند، در هر حالتی، آسیب جسمیشان، قابل جبران خواهد بود.»
بند ۳ ماده ۳: «با وجود این، در موارد مذکور در دو بند گذشته، اگر زیان‌دیده، عمداً خواسته باشد به خود زیان برساند، عامل حادثه، موظف نخواهد بود که آسیبهای جسمی او را جبران کند.»

گفتار دوم - اعمال کاهش مسؤولیت به علت تقصیر زیان‌دیده، که دارای ویژگیهای قوه قاهره نباشد چگونه باید دامنه کاهش مسؤولیت را تعیین کرد؟ چگونه باید زیان‌دیده را که علت این کاهش است تعریف کرد؟ دادگاهها روزانه درباره اجرای این اصل، همواره با این دو مسأله روبرو هستند.

۱- دامنه کاهش

وقتی که ثابت شود که خواننده مرتکب تقصیری شده است، تعیین میزان غرامتی که او علی‌رغم تقصیر زیان‌دیده باید پردازد، در همان شرایطی که مسؤولیت میان عاملان مشترک یک تقصیر، تقسیم می‌شود صورت می‌گیرد و روشهایی که اعمال می‌شود عملاً به یک شکل است. اصولاً تقسیم برحسب شدت تقصیرها صورت می‌گیرد.^{۳۳} اما اختیار مطلقاً که به قضاوت داده شده است^{۳۴} به آنها این امکان را می‌دهد تا هرگونه عامل دیگری را نیز مد نظر قرار دهند. اگر تقصیر زیان‌دیده، در شرایطی عادی، موجب کاهش مسؤولیت خواننده می‌شود، در نظر گرفتن شدت تقصیر و نقش سببی آن، می‌تواند استثنائاً موجب معافیت کامل او شود. نمونه آن،

۳۳. ر.ک.

C. LAPOYADE DESCHAMPS, op.cit., p. 195 à 197.

V. J. FLOUR et J.L. AUBERT, *Les obligations, Le fait juridique*, n° 175.

حتی این دو نویسنده معتقدند که تنها ملاک تقسیم مسؤولیت، میزان شدت تقصیرهاست.

۳۴. با وجود این، اخیراً دیوان عالی کشور اعلام کرده است که هنگامی که چند نفر، با تقصیر مشترکشان به خودشان زیان برسانند تقسیم مسؤولیتها باید مطابق یک نسبت واحد، صورت گیرد. این امر، قدرت ارزیابی قضاوت را محدود می‌کند.

Crim, 24 juin 1992, JCP. 1992, II. 21929, note G. MÉMETEAU, *Resp. civ. et assur.*, 1992, comm., n° 416 et ch. n° 38, par A. M. PÉANO, *RTD civ.*, 1993, p. 142, obs. P. JOURDAIN.

موردی است که زیان دیده مرتکب تقصیر عمدی شده باشد و یا با تقصیر خود، مباشر را تحریک کرده باشد.^{۳۵} در چنین شرایطی، معافیت کامل خواننده، به دو طریق قابل توجیه است: یکی اینکه زیان دیده‌ای که مرتکب یک تقصیر بسیار شدید شده است باید تنبیه شود و توجیه دیگر این است که این تقصیر او سبب «انحصاری» خسارت بوده است که رابطه سببیت میان فعل زیانبار خواننده و زیان را قطع کرده است. علاوه بر این، دادگاهها در بعضی موارد، به این دلیل که علت انحصاری زیان وارده به زیان دیده، تقصیر خود او بوده است، حکم به معافیت کامل خواننده صادر می‌کنند.^{۳۶} در برخی موارد هم، آرای صادر شده است که بدون احراز ویژگی‌های قوه قاهره، خواننده را معاف کرده‌اند. توجیه ضمنی رویه قضایی مذکور، این است که تقصیر زیان دیده، سبب انحصاری یا تنها سبب خسارت بوده است. در فرضی که هیچگونه تقصیری از خواننده به اثبات نرسیده است نیز او بر مبنای مسؤلیت قهری، مسؤل شناخته شده است و رویه قضایی، پس از مدتی، پذیرفت که تقصیر زیان دیده، کاملاً خواننده را از مسؤلیت معاف می‌کند. اما از سال ۱۹۳۴ به بعد، تنها قائل به کاهش مسؤلیت خواننده شد. حال، قضات برای اندازه‌گیری میزان معافیت، از آزادی کامل برخوردارند و این به حدی اختیار آنها را افزایش داده است که دامنه مفهوم تقصیر زیان دیده، گسترده‌تر شده است.

۳۵. اما وقتی که رفتار خواننده محرک فعل زیان دیده باشد، دادگاهها هرگونه کاهش غرامت زیان دیده را مردود می‌دانند.

Civ. 2^e, 9 déc. 1992, Bull. civ., II, n^o 305, Resp. civ. et assur., 1993, comm. n^o 73.

۳۶. مفهوم مخالف آن این است که تقصیر ساده و غیرانحصاری زیان دیده، نمی‌تواند مانع ادعای او علیه خواننده تقصیر کار باشد. (Civ. 1^{re}, 24 janv. 1995, Bull. Civ., I, n^o 53). رأی اخیر مربوط به دعوی فروشنندگان، علیه یک سردفتر اسناد رسمی بود که از جمله، مرتکب تقصیر سنگین شده بود.

۲- ارزیابی تقصیر زیان‌دیده و ویژگی سببی آن در رویه قضایی

دیوان عالی کشور که همواره کنترل این ارزیابی را در اختیار خود نگه داشته است تاکنون همیشه تلاش کرده است تا قضات را موظف کند که وقتی در مورد تقصیر زیان‌دیده یا هر کس دیگری تصمیم‌گیری می‌کنند همان شیوه‌ها و معیارها را ملاک قرار دهند. این روش باعث اتخاذ تصمیماتی شد که به طور کلی برای شخص آسیب‌دیده سختگیرانه است. زیرا این اجازه را می‌دهد که نه تنها اعمال مثبت و منفی ممنوع شده توسط قانون و مقررات^{۳۷} علیه او قابل استناد باشد، بلکه همچنین هرگونه نقض «تکلیف کلی مبنی بر مراقبت از ایمنی خود» نیز علیه او مورد استناد قرار گیرد. بدین ترتیب، تقصیر زیان‌دیده، همواره چه در زمینه مسؤلیت قراردادی و چه مسؤلیت قهری - به ویژه در زمینه حوادث رانندگی - به عنوان یک عامل کاهش مسؤلیت، مورد استناد قرار می‌گیرد و پذیرفته می‌شود، زیرا در این صورت، در موارد بسیار زیادی این امکان وجود دارد که یک واکنش ناشیانه یا فراموش کردن یک احتیاط که می‌توانست جلوی وقوع زیان را بگیرد و یا آن را کاهش دهد مورد استناد قرار گیرد.^{۳۸} با وجود این نمی‌توان گفت که رویه قضایی، همیشه علیه زیان‌دیده

۳۷. امروزه شاهد هستیم که مقررات الزام‌آور برای خود زیان‌دیدگان، در جهت حفاظت از خود، رو به فزونی نهاده است. نمونه بارز آن، تکلیف بستن کمربند ایمنی توسط رانندگان خودرو و کلاه ایمنی برای موتورسواران است. در این مورد رک.

Crim., 16 mars 1977, D., 1977, p. 469, note G. MORANGE.

۳۸. به ویژه رک.

Civ. 2^e, 27 oct. 1975, JCP, 1975, IV, p. 372.

شعبه دوم مدنی دیوان عالی کشور در این رأی خود، زیان‌دیده‌ای را به دلیل آنکه پیش از سوار شدن به خودرو، اطمینان حاصل نکرده بود که راننده‌اش گواهینامه رانندگی دارد یا نه، مقصر شناخت!

سختگیری می کند، زیرا دادگاهها غالباً دفاع مبتنی بر این ادعا را که زیان دیده مرتکب تقصیر شده است رد می کنند. به عنوان مثال، دیوان عالی کشور، همیشه مخالف آن بوده است که «پذیرش خطرات» به عنوان عامل معافیت تلقی شود، مگر اینکه یک بی احتیاطی تقصیرآمیز باشد. اما هنوز موضع دیوان عالی کشور، نسبت به کودکان زیان دیده بسیار مبهم است، زیرا اگرچه گاهی موضع متعادلی در قبال آنان اتخاذ می کند،^{۳۹} اما غالباً به ویژه در برابر کوچکترها سختگیری شگفت آوری از خود نشان می دهد.^{۴۰}

۳- تقصیر زیان دیدگان فاقد عقل

مدتها رویه قضایی معتقد بود که نمی توان به این عنوان که ممکن است یک کودک فاقد تشخیص، مرتکب تقصیری شده باشد که یک شخص ثالث، مسؤول آن اعلام شده است - جبران کامل خسارت آن کودک را مردود دانست.

مبنای رویه مذکور، این بود که نمی توان به کسی که از عقل کافی برخوردار نیست تا بتواند ماهیت اعمال خود را تشخیص دهد، تقصیری را نسبت داد. اما دیوان عالی کشور، به موضع سابق خود بازگشت و در آرای صادره از هیأت عمومی دیوان، مورخ ۹ مه ۱۹۸۴ اعلام شد که قاضی برای

۳۹. موضع دیوان عالی کشور در قبال کودکان، دچار تردید است. در یک مورد، دیوان حکم داده است که واکنش ناخودآگاه کودک، که ناشی از ترس باشد نمی تواند موجب معافیت مسؤول باشد. مشخصات رأی مذکور به شرح زیر است:

Civ. 2^e, 31 mars 1978, JCP, 1978, IV, p. 179.

۴۰. به عنوان مثال، شعبه دوم مدنی، یک کودک را که در یک سیلوی غلات افتاده و خفه شده بود، به این علت که سرپیچی کرده بود مقصر شناخت!

Civ. 2^e, 11 juillet, 1979, JCP, 1979, IV, p. 318.

اینکه بخشی از مسئولیت را به عهده کودک بگذارد ملزم نیست بررسی کند که آیا او می‌توانسته آثار عمل خود را تشخیص دهد یا نه. این راه‌حل که نشانگر حذف شرط قابلیت انتساب معنوی تقصیر است، در مورد دیوانه‌ای که زیان‌دیده واقع شده است - و پیش از این براساس ماده ۲-۴۸۹ قانون مدنی،^{۴۱} مسؤول شناخته شده بود - نیز اعمال می‌شود. اما هنوز مسلم نیست که عللی که موجب شد تا مسئولیت اشخاصی که «تحت تأثیر اختلال روانی»، خسارت به بار آورده‌اند پذیرفته شود، بتواند توجیه‌کننده آن باشد که کودکان کم سن، یا به طور کلی‌تر، اشخاص فاقد عقل، «به عنوان زیان‌دیدگان» از خساراتی که متحمل شده‌اند نیز مسؤول اعلام شوند.^{۴۲} به طور کلی، راه‌حلهای پذیرفته شده، بسیار ناعادلانه‌اند و با هدف حمایت از زیان‌دیدگان خسارات جسمانی - که یکی از گرایشهای غالب در تحول حقوق مسئولیت مدنی، از یک قرن پیش تاکنون است - تعارض آشکار دارد.

۴- ارزیابی انتقادی

اصل کاهش مسئولیت (یا معافیت جزئی از مسئولیت) ناشی از تقصیر زیان‌دیده، به شدت مورد انتقاد قرار گرفته است. به ویژه این ایراد بر آن وارد شده است که ویژگیهای این به اصطلاح، «تقصیر زیان‌دیده» را

۴۱. ماده ۲-۴۸۹: «کسی که تحت تأثیر یک اختلال روانی به دیگری زیان برساند نیز باید آن را جبران کند».

۴۲. رک.

Obs. P. JOURDAIN au JCP 1984.II.20256; Recherche sur l'imputabilité en matière de responsabilités civile et pénale, th. Paris II, no^{OS} 476 et s., 507 et 508; G. VINEY, La faute de la victime d'un accident corporel: le présent et l'avenir, JCP, 1984, I.3155.

– که در بیشتر موارد، چیزی جز واکنش نامناسب به تقصیر یا فعل خواننده نیست – در نظر نمی‌گیرد.^{۴۳} باید به این نکته نیز اشاره کرد که اصولاً هدف دادگاهها از توسعه مفهوم تقصیر، این بوده است تا با انعطاف بخشیدن به شرایط مسؤولیت، از زیان دیدگان حمایت کنند. اما همین توسعه مفهوم «تقصیر زیان‌دیده»، دقیقاً برخلاف این هدف است و نتایج تأسف‌باری به دنبال دارد، چرا که تشابه ظاهری میان وضعیت زیان‌دیده و عامل خسارت، به واسطه بیمه، که فقط به نفع عامل خسارت است به شدت بر هم می‌خورد. بنابراین، دلایل قانع‌کننده‌ای وجود دارد که نشان می‌دهد که به هیچ وجه، غیرمنطقی نیست که برای ارزیابی تقصیر زیان‌دیده، معیارهای مضیق‌تری نسبت به معیارهای ارزیابی تقصیر شخص ثالث اعمال شود، زیرا بدین ترتیب، راه‌حلهای عادلانه‌تری به اجرا درمی‌آید. در عین حال باید منتظر ماند تا سیستمی که بیشتر به آن اشاره شد، به اجرا درآید که بر مبنای آن فقط تقصیر «شدید» یا «نابخشودنی» شخص آسیب‌دیده می‌تواند باعث کاهش مسؤولیت خواننده شود.

امروزه این تحول به قدری طبیعی و دلخواه است که همانطور که دیدیم قانون ۵ ژوئیه ۱۹۸۵، آشکارا به این سو رفته است و به ویژه و خوشبختانه، کودکان را از شمول یک رویه قضایی که توسط دو رأی مشهور هیأت عمومی دیوان عالی کشور در ۹ مه ۱۹۸۴، ایجاد شده بود، خارج ساخته است. رویه مذکور، بیش از پیش، کودکان را از جبرانی که بسیار ضروری بود، محروم می‌ساخت. با وجود این، کاری که قانونگذار در مورد حوادث رانندگی انجام داد، در رابطه با دیگر حوادثی که کودکان هر

43. C.LAPOYADE DESCHAMPS, op.cit., p. 33 à 49.

روز در معرض آن هستند نیز باید صورت گیرد. اما ملاحظه می‌شود که دیوان عالی کشور، نه تنها در این راه گام برداشته است، بلکه به تازگی در برابر این زیان دیدگان، سختگیری شگفت‌آوری از خود نشان داده است؛ زیرا رفتارهایی را تقصیر کارانه دانسته است که کاملاً با آنچه که معمولاً از یک کودک انتظار می‌رود تطابق دارد.^{۴۴}

از نظر ما، این رویه قضایی، بسیار تأسف آور است.

بخش دوم - تأثیر «عوارض پیشین» زیان دیده

۱- مخالفت با کاهش مسؤلیت خواننده

دشواری این موضوع که مورد توجه خاص صاحب‌نظران بوده است،^{۴۵} جمع کردن دو لازمه بنیادین مسؤلیت است. از یک سو مسؤل باید خسارت زیان دیده را به طور کامل جبران نماید و از سوی دیگر او صرفاً باید خسارتی را که وارد کرده است جبران کند. حال اگر زیان دیده به علت نارساییهای جسمی‌اش، زمینه بسیار مساعدی برای آسیب‌پذیری

۴۴. به ویژه رک. Civ. 2^e, 28 févr. 1996 (دویدن کودکی هشت ساله به سوی دوستش که یک تابه آشپزی در دست داشت، «تقصیر» شناخته شد) و Civ. 2^e, 19 févr. 1997 (کودکی که به یک الاکلنگ در حال حرکت، نزدیک شده بود «مقصر» شناخته شد).

۴۵. در این زمینه رک.

N. DEJEAN DE LA BÂTIE, *Appréciation in abstracto et in concreto en droit civil français*, n^{os} 356 et s; J.C. MONTANIER, *L'incidence des prédispositions de la victime sur la causalité du dommage*, the Grenoble. 1978; B. STARCK, *La pluralité des causes de dommage*, ch. préc. JCP, 1970.1.2339, n^o 84; G. DURRY, obs. *RTD civ.*, notamment 1969, p.795, 1971, p. 657; J. NGUYEN THANH NHA, *L'influence des prédispositions de la victime sur l'obligation à réparation du défendeur à l'action en responsabilité*, *RTD civ.*, 1976, p. 1 et s; C. LAPOYADE DESCHAMPS, th. préc., p.421 et 8.

داشته باشد، در اینکه کل این خسارت ناشی از فعل منتسب به خواننده باشد، تردید وجود خواهد داشت.

با وجود این، تاکنون بیشتر سیستمهای حقوقی خارجی، به این اصل کلی که بر مبنای آن، «عامل خسارت، باید زیان دیده را همانگونه که هست تلقی کند» وفادار مانده اند.^{۴۶} اصل مذکور به این معناست که نمی توان به استناد عارضه های پیشین زیان دیده، جبران خسارت او را منتفی یا محدود کرد. البته این اصل، استثنائات و محدودیتهای مختلفی دارد.

در حقوق فرانسه، از این به بعد، دکترین حقوقی و رویه قضایی قبول دارند که عارضه های پیشین، مانعی برای اثبات رابطه سببیت میان فعل اولیه منتسب به خواننده و خسارت نهایی به شمار نمی رود. اگر ثابت شود که دخالت خواننده، عارضه پیشین را تشدید کرده است، همین برای اثبات رابطه سببیت کافی است.^{۴۷} بنابراین، عارضه های پیشین زیان دیده مانند قوه قاهره نیستند که خواننده را به طور کامل از مسؤولیت معاف کنند.

اما آیا حداقل باعث کاهش مسؤولیت خواننده می شوند؟

در این زمینه است که تردیدها رخ می نمایند. دیدگاههای متفاوتی توسط حقوقدانان ابراز شده است. بعضی از نویسندگان، عارضه های پیشین

۴۶. رک.

A.M. HONORÉ, *International Encyclopedia of comparative law*, vol. XI. *Torts*, chap.7. n° 182.

۴۷. در این زمینه رک.

Civ. 2^e, 15 déc. 1986. D., 1987, p. 450, 2^e arrêt. note Y. LAMBERT-FAIVRE- Crim., 15 mars 1988, D., 1988, IR, p.124.

همچنین در مورد خودکشی زیان دیده در پی یک حادثه - که او پیش از آن، دچار افسردگی بود - رک. Civ. 2^e, 26 oct. 1972, D., 1973, somm. p. 51- Civ. 2^e, 25 avr. 1973, D., 1973, IR, p. 136, paris, 5 mai 1962, *Gaz. Pal.*, 1962.II.172, *RTD civ.*, 1963, p.357.

را یک «رویداد طبیعی کاهش دهنده مسؤولیت» تلقی می کنند،^{۴۸} در حالی که برخی دیگر با این نظر مخالفند و بر این باورند که وضعیت زیان دیده، نه یک تقصیر است و نه حتی یک فعل بدون تقصیر و لذا اصولاً نمی توان به استناد آن، مسؤولیت را تقسیم کرد.^{۴۹} با وجود این، نویسندگانی که به تازگی مطالعات عمیق تری در این زمینه انجام داده اند، تا حدود زیادی، دیدگاههای مشترکی در مورد اصول قابل اجرا در این زمینه و تفکیک های قابل اعمال، ارائه داده اند.^{۵۰} همه آنها موافقند که صرف «عارضه های پیشین» نمی تواند در حکم «فعل زیان دیده» باشد، به طوری که توجیه کننده کاهش مسؤولیت خواننده باشد. به اعتقاد آنها فقط، تقصیر طرف آسیب دیده می تواند موجب کاهش مسؤولیت خواننده شود، مثل اینکه با بی احتیاطی، خود را در معرض خطری قرار داده باشد که وضعیتش به طور طبیعی، مناسب آن نبوده باشد و یا اینکه نسبت به درمان خود، سهل انگاری کرده باشد و یا عمداً به خود آسیب رسانده باشد. اما این نویسندگان در عین حال قبول دارند که خواننده موظف نیست آثار خسارتی را که کاملاً بدون ارتباط

۴۸. رک.

NAYRAL DE PUYBUSQUE, *Prédispositions de la victime et partage de responsabilité*, *Gaz. Pal.*, 1969, 2, doc. p. 1- NAYRAL DE PUYBUSQUE et L. MELENNEC, *Suicide, traumatisme et prédispositions*, *Gaz. Pal.*, 1975, 2, doc., p. 722; A. TUNC, obs. *RTD civ.*, 1963, p. 336, n° 31, 1961, p. 314, n° 7.

49. V.N. DEJEAN DE LA BÂTIE, *Appréciation in abstracto et in concreto en droit civil français*, n° 359, p. 275, du même auteur, in AUBRY et RAU, t. VI-2, 8^e éd., n° 86; J.C.MONTANIER, op.cit., n° 220; J.NGUYEN THANH NHA, art. préc., *RTD civ.* 1976, p. 1 et 8; G.DURRY, obs. *RTD civ.* 1971, p. 657, n° 12.

۵۰. به ویژه مراجعه شود به مقاله:

J. NGUYEN THANH NAH, art. préc., *RTD civ.* 1976, p. 1 et s.

به ویژه بخش نتیجه گیری این مقاله.

با عمل او به وجود آمده است جبران کند. آنها، بدین منظور، «عارضه‌های بدون نماد خارجی» و «عارضه‌های پایدار و تثبیت شده» که قبل از فعل زیانبار و کاهش توانایی وجود داشته‌اند و ناشی از پیشرفت «اجتناب‌ناپذیر» نارسایی پیشین بوده‌اند، را از یکدیگر تفکیک می‌کنند.^{۵۱} از نظر آنها، دسته اول نباید موجب کاهش غرامت زیان‌دیده شود، اما موارد دیگر را باید از عارضه‌هایی کم کرد تا دامنه خسارت قابل انتساب به خواننده مشخص شود.

اگرچه وضعیت حقوق موضوعه، بسیار مبهم به نظر می‌رسد، ولی نظریه‌پردازیهای جدید حقوقی تأثیرات مثبتی در آن داشته است، به طوری که علی‌رغم برخی آرای متعارض که نسبتاً نادر هستند، راه‌حلهای اعمال شده، به هم نزدیک شده‌اند.

دادگاههای مدنی که بیشتر با مسأله تأثیر عارضه‌های پیشین زیان‌دیده سر و کار دارند، کاملاً با تقسیم مسؤولیت - به ویژه در صورتی که حادثه به مرگ زیان‌دیده بیانجامد - مخالفت می‌کنند. شعبه کیفری دیوان عالی کشور هم موضع مشابهی را اعلام داشته است و در بیشتر موارد، هرگونه تأثیرات عارضه‌های پیشین را بر جبران خسارت زیان‌دیده، مردود دانسته است. این آراء، در مورد نارساییهای جسمی هستند که پیش از ارتکاب فعل زیانبار وجود داشته‌اند، اما نماد خارجی نداشتند و یا حداقل موجب از کارافتادگی - که کاهش توان جسمی (زیان فیزیولوژیک) یا از دست رفتن عایدات زیان‌دیده (زیان اقتصادی) را در پی داشته باشد - نشده بودند. آرای صادره، همواره بر این امر تأکید می‌کنند که اگر عارضه

۵۱. عبارات داخل گیومه، برگرفته از منبع بالاست.

پیشین زیان دیده، فقط بر اثر حادثه یا جرم، آشکار شده و یا اثر خود را نشان داده باشند، نمی‌توان به علت وجود این عارضه‌ها، از حق جبران خسارت زیان دیده کم کرد.

با وجود این، گاه پیش می‌آید که وضعیت پیشین، برای کاهش حق جبران خسارت، مورد استناد قرار می‌گیرد.^{۵۲} اما در اینجا هدف این است که برای ارزیابی زیانی که توسط خواننده وارد شده است، از کارافتادگی پیشین که زیانی است که قبلاً زیان دیده متحمل آن شده بود، مدنظر قرار گیرد.^{۵۳}

۵۲. در مورد مرگ زیان‌دیده، که بخشی از آن ناشی از حادثه و بخشی نیز ناشی از عارضه‌های قبلی بود، رک.

Civ. 2^e, 27 oct. 1969, *Bull. Civ. II*, n^o 294. civ. 1^{re}, 1976, *JCP*, 1976, IV, p. 301.

در مورد خودکشی که ناشی از این هر دو عامل بود، رک.

Poitiers, 17 dec. 1986 *Gaz. Pal.*, 1961, I, p. 171. Angers. 28 avr. 1969 *Gaz. Pal.*, 1969, 2, somm. p. 49.

همچنین مراجعه کنید به رأی مبهمی که در ۲۸ نوامبر ۱۹۷۴ توسط شعبه دوم مدنی دیوان عالی کشور در مورد رأی دادگاه تجدیدنظر صادر شده بود. در پرونده مذکور، دادگاه تجدیدنظر، حکم داده بود که عامل حادثه‌ای که باعث شده بود عارضه مرگباری که زیان‌دیده از پیش دچار آن بود پیشرفت کند باید زیان را - که مرگ بود - به طور کامل جبران کند. این در حالی است که دادگاه مذکور، پذیرفته بود که زیان می‌بایست با توجه به شدت تومور بدخیم که زیان‌دیده به آن مبتلا بود ارزیابی شود. با وجود این، دیوان عالی کشور، رأی دادگاه تجدیدنظر را فاقد تعارض دانست.

Bull. civ. II, n^o 317, p. 261.

۵۳. به ویژه رک.

Crim 10 févr. 1976 d. 1976, p. 297, rapport M.E. Robert.

رأی اخیر، حکمی را تأیید کرد که براساس آن، فقط زیان فیزیولوژیک از جرم، می‌بایست جبران شود و برای تعیین میزان آن، می‌بایست آسیبهای قبلی، مورد توجه قرار گیرد.

Civ. 2^e, 11 oct 1989, *Bull. Civ. II*, n^o 178.

رأی اخیر، حوادث قبلی را که منجر به از کارافتادگی دائمی شده بود لحاظ کرد.

باید در نظر داشت که اگر از کارافتادگی، پیش از دخالت مسؤول، وجود داشته باشد و فعل زیانبار، نه تنها آن را وخیم‌تر کرده باشد بلکه «ماهیت از کارافتادگی پیشین را به کلی دگرگون کرده باشد»، رویه قضایی، دیگر از کارافتادگی پیشین را لحاظ نمی‌کند و خسارت زیان‌دیده را - آنگونه که از وضعیت جدید، به وجود آمده است - به طور کامل جبران می‌کند،^{۵۴} مانند موردی که عارضه جدید، هیچگونه تشابهی به وضعیت پیشین نداشته باشد، مثل فرد یک چشمی که بر اثر یک فعل زیانبار، به کلی نابینا می‌شود.

شعبه اجتماعی دیوان عالی کشور هم بارها در این زمینه، در رابطه با حوادث کار که آثار آن به علت عارضه‌های پیشین و یا یک نارسایی قبلی، تشدید شده باشد، رأی صادر کرده است. رویه این شعبه نیز که تردیدهایی را نشان می‌دهد،^{۵۵} نخست مبتنی بر این اصل بود که بر مبنای «فرض قابلیت انتساب»، توصیف حادثه کار، باید بر کل خسارت وارده در زمان و در مکان کار، از جمله بر آثار یک عارضه قبلی اعمال شود. اما سپس محدودیتهایی را بر این رویه به وجود آورد و نارسایی قبلی شناخته شده،

پرتال جامع علوم انسانی

54. Crim 14 juin 1990 *Bull. crim.*, n° 244; *Resp. civ. et assur.*, 1990, comm., n° 318 *RTD civ.*, p. 126, obs. P. JOURDAIN.

رأی اخیر در مورد مرگ زیان‌دیده بود.

۵۵. در این زمینه رک.

J. J. DUPEYROUX, *Le déclin de la présomption d'imputabilité*, D., 1971, ch. p. 181, R.LINDON, concl. D., 1971, p. 181; G. DURRY, obs. *RTD civ.*, 1971, p. 657; TANIER, th. préc., 2^e partie; Y. SAINT-JOURS, *Accidents du travail: l'enjeu de la présomption d'imputabilité*, D., 1995, ch. p. 13.

قبل از حادثه یا حتی کشف شده بر اثر حادثه را از این قاعده مستثنی کرد.^{۵۶}

از سوی دیگر، شعبه اجتماعی، رویه متفاوتی نسبت به دیگر شعب دیوان عالی کشور در پیش گرفت، به این صورت که آثار خود حادثه را از آثار پیشرفت طبیعی عارضه پیشین تفکیک می کرد، زیرا آثار اخیر، به عنوان خسارتی که در آینده بوجود می آید و مجزا از خسارتی که خواننده مسؤول آن است، تلقی می شود. این راه حل، مورد تأیید هیأت عمومی دیوان عالی کشور قرار گرفت. هیأت عمومی در ۲۷ نوامبر ۱۹۷۰ اعلام کرد که «نباید خسارت زیان دیده از حادثه کار، براساس مقررات حوادث کار جبران شود مگر آنکه وخیم تر شدن وضعیت او، ناشی از حادثه باشد، به غیر از آثار وخیم شدن طبیعی عارضه ارثی او».

بنابراین، امروزه شعبه اجتماعی دیوان عالی کشور، در زمینه حوادث کار، مواضعی اتخاذ می کند که از برخی جهات، با مواضع شعبه های مدنی و کیفری در زمینه حوادث عمومی متفاوتند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

۲- ارزیابی

از نظر ما، راه حل های متفاوت شعبه های مدنی و کیفری دیوان عالی کشور قابل تأیید هستند، زیرا شعب مذکور تا حدود زیادی، پیشنهادهای معقول دکترین اخیر و در رأس آن، این اصل را که «عارضه های پیشین»

۵۶. رک.

J. C. MONTANIER, op.cit., n° 513 à 519

در این صورت، رویه شعبه اجتماعی که تا حدودی از موضع غالب در رویه های شعب مدنی و بازرگانی فاصله می گیرد قابل مناقشه است، زیرا ناتوانی، هیچگونه آسیبی برای زیان دیده در پی نداشته است.

زیان دیده، باعث کاهش مسئولیت خواننده نخواهد شد رعایت می کنند. همانطور که وضعیت مالی شخص آسیب دیده، تعداد فرزندان او و وضعیت شغلی او، عناصر عینی وضعیت زیان دیده هستند که بر خواننده تحمیل می شوند، عارضه های پیشین زیان دیده نیز به همین عنوان، جزو عناصر عینی وضعیت زیان دیده هستند که نمی توانند باعث کاهش جبران خسارت زیان دیده شوند. حقوقدانان انگلیسی، با درستی تمام می گویند که «خواننده باید زیان دیده را همانطور که می بیند در نظر بگیرد». از نظر ما، این بسیار خطرناک است که به بیمه گران مسئولیت، اجازه داده شود تا برای کاستن از میزان غرامت، ثابت کنند که زیان دیده، دچار ضعف شدید بوده است و اگر شخص دیگری جای او بود، بهتر مقاومت می کرد. اگر چنین اجازه ای به بیمه گران داده شود و راه چنین بحثهایی باز شود بیم آن می رود که همواره اینگونه مناقشات مطرح شود و دامنه آن توسعه یابد و در نتیجه شاهد افزایش دعوایی باشیم که پرداخت غرامت را به تأخیر می اندازند و در نهایت باعث می شوند که اشخاص ضعیف تر، آثار ضعف خود را بر دوش کشند که این دقیقاً برخلاف جهتی است که یک سیستم پیشرفته جبران خسارت جسمانی - که از کمک مؤثر بیمه برخوردار می باشد - باید دنبال کند. اما مخالفت شعبه اجتماعی با اینکه عارضه قبلی یا وخیم تر شدن «حتمی» عارضه قبلی، به عهده عامل فعل زیانبار گذاشته شود، قابل قبول به نظر می رسد،^{۵۷} مشروط بر اینکه خواننده موفق شود که این عارضه قبلی یا

۵۷. از نظر ما این تفکیک خانم گوین تن نا (Nguyen Thanh Nah) قابل تأیید است که براساس آن، آسیبهای غیرحتمی و وخیم شدن طبیعی عارضه قبلی ناشی از یک روند بیماری حتمی و اجتناب ناپذیر، از یکدیگر تفکیک می شوند. از نظر او، مورد اخیر، یک خسارت مستقل و غیرقابل انتساب به خواننده محسوب می شود. در مورد اول، فرض بر این است که ثابت نشده است که بدون فعل زیانبار، بیماری قبلی به قدری پیشرفت می کرد که موجب یک ناتوانی شود.

ویژگی حتمی پیدایش آن - حتی بدون وقوع فعل زیانبار - را به اثبات برساند و در احتساب نرخ عارضه ناشی از فعل زیانبار، ناراحتی اضافی ناشی از آسیب یا بیماری پیشین، مد نظر قرار گیرد.^{۵۸} در هر حال باید احتیاط کرد تا عارضه قبلی باعث نشود که اصل جبران کامل خسارت نادیده گرفته شود. به ویژه در زمینه حوادث کار - که نویسندگان به «افول» فرض قابلیت انتساب اشاره کرده‌اند -^{۵۹} باید بیشتر احتیاط کرد. تنها، حالت‌های قبلی که زیانی باشند که زیان‌دیده، واقعاً در گذشته متحمل آن شده باشد باید به هنگام ارزیابی خسارت قابل انتساب به فعل زیانبار، احتساب شوند.

فصل دوم - تأثیر فعل زیان‌دیده مستقیم بر حق جبران خسارت زیان‌دیدگان غیرمستقیم

۱- آیا تقصیر زیان‌دیده مستقیم، علیه زیان‌دیدگان غیرمستقیم، قابل استناد است؟

اگر یکی از اشخاصی که به علت مرگ یا زخمی شدن شخص دیگری، متحمل زیان مادی و معنوی شده است علیه عامل حادثه اقامه دعوا کند، آیا در این حال، خواننده می‌تواند برای جلوگیری از محکومیت به

۵۸. به عنوان مثال، در مورد فرد یک چشم، این کافی نیست که میزان عارضه قبلی، دو برابر در نظر گرفته شود بلکه میزان آن را باید برحسب ناتوانی ایجاد شده بر اثر نابودی کامل بینایی احتساب کرد و گرامتی به زیان‌دیده اختصاص داد که کل خسارت ناشی از تفاوت میان آنچه که زیان‌دیده، پیش از حادثه می‌توانست انجام دهد و آنچه که هنوز می‌تواند بعد از آن انجام دهد را پوشش دهد.

59. V. J. J. DUPEYROUX, *Le déclin de la présomption d'imputabilité*. D., 1971, ch. p. 81; J.C. MONTANIER, th. préc., 2^e partie; Y. SAINT-JOURS, *Accidents du travail: l'enjeu de la présomption d'imputabilité*, D., 1995, ch. p. 13.

پرداخت کامل خسارت، به تقصیر (و یا حتی احتمالاً به «فعل بدون تقصیر») زیان دیده مستقیم استناد کند؟ مشکل این وضعیت، در ابهام آن است. از نظر خواننده - صرف نظر از شخصیت خواهان - مشارکت زیان دیده مستقیم در ورود خسارت، یک «فعل زیان دیده» است که اصولاً موجب کاهش مسؤولیت می شود، اما از نظر زیان دیدگان غیرمستقیم که هیچگونه مشارکتی در ورود خسارت نداشته اند، نقش زیان دیده مستقیم، مانند «فعل شخص ثالث» است که بر مبنای اصل «تعهد تضامنی» مباشران، اصولاً نباید باعث تقسیم مسؤولیتها باشد.

بنابراین، مسأله بسیار دقیق است و در همه جا، یک راه حل ندارد. به عنوان مثال، قانون مدنی آلمان، صراحتاً قابلیت استناد به تقصیر زیان دیده مستقیم، علیه زیان دیدگان غیرمستقیم را می پذیرد و لذا مسؤولیت را قابل تقسیم می داند^{۶۰} و رویه قضایی بلژیک، کانادا و امریکا نیز به همین سمت، گرایش دارند. اما حقوق انگلیس، در سال ۱۹۴۹، خلاف آن را پذیرفته است و به ویژه، افریقای جنوبی و استرالیا نیز همین شیوه را در پیش گرفته اند.^{۶۱}

در فرانسه، آثار علمی زیادی به این موضوع اختصاص یافته است^{۶۲} که بر اثر آن، آرای بسیاری از سوی مراجع قضایی صادر شده و

۶۰. ماده ۸۴۶ قانون مدنی آلمان.

61. *International Encyclopedia of comparative law*, vol. XI, Torts, chap. 9, *personal injury and death*, par Harvey MC GREGOR, n^{OS} 182 et 183.

62. F. CHABAS, *L'influence de la pluralité de causes sur le droit à réparation*, LGDJ, 1967, n^{OS} 154, 190 et s; Y. LAMBERT-FAIVRE, *De la responsabilité encourue envers les personnes autres que la victime initiale: Le problème dit du dommage par ricochet*, th. Lyon, 1959, p. 208 et s; C. LAPOYADEDESCHAMPS. *La responsabilité de la victime*, th. préc., p. 292 à 323: F.

رویه قضایی در این زمینه، تحولات پرفراز و نشیبی را پشت سر گذاشته است. با وجود این، دلایل متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد این دوره تردید و بلاتکلیفی، سپری شده است. به عنوان نمونه، هیأت عمومی دیوان عالی کشور، با صراحت کامل، با صدور دو رأی اصولی^{۶۳} در ۱۹ ژوئن ۱۹۸۱، قابلیت استناد به تقصیر زیان‌دیده مستقیم علیه زیان‌دیدگان غیرمستقیم را پذیرفت و بدین ترتیب، راه‌حلی را که هفده سال پیش دیوان کشور با حضور کلیه شعب در سال ۱۹۶۴ اعمال کرده بود مورد تأیید قرار

CHABAS, *Remarques sur l'obligation in solidum*, RTD civ. 1967, p. 310 et s.; J. DABIN, *Faute dommageable envers soi-même et responsabilité à l'égard des proches*, *Mélanges Brèthe de la Gressaye*, p. 141 et s.; O. DALCQ, *De l'opposabilité de la faute de la victime à ses ayants cause agissant à titre personnel*, *Rev. gén. ass. et resp.*, 1963, p. 7092; R. MEURISSE, *Les ayants cause agissant à titre personnel peuvent-ils se voir opposer la faute de la victime?*, D., 1962, ch. p. 93; A. BESSON, *L'opposabilité aux ayants cause de la faute partiellement de la victime décédée*, *Rép. Commaile*, 1965, p. 65; J. FOSSEREAU, *L'incidence de la faute de la victime sur le droit à réparation de ses ayants cause agissant à titre personnel*, RTD civ. 1963, p. 7 et 9; R. SAVATIER, *La veuve et l'orphelin demandant réparation à l'homme dont la faute a contribué à la mort de leur époux ou de leur père peuvent-ils négliger la part de la faute de cet époux ou de ce père dans l'accident*, D., 1964, ch. p. 155.

همچنین به مطالب مندرج در آثار مفصل‌تر، به ویژه منابع زیر مراجعه شود:

H.L. et J. MAZEAUD, *Traité*, t. II, n^o 1469; R. SAVATIER, *Traité*, t. II, n^o 540; G. MARTY et P. RAYNAUD, *Droit civil. Obligations*, 2^e éd. t. I, Les sources, n^o 569; B. STARCK, H. ROLAND et BOYER, *Droit civil. Obligations*, t. I, *La responsabilité délictuelle*, 4^e éd., n^o 1287 et s.; Ph. LE TOURNEAU et L. CADIET, *Droit de la responsabilité*, n^{os} 323 et s.

۶۳. منظور از رأی اصولی، رأیی است که با بیانی کلی درباره یک مسأله حقوقی مورد اختلاف، تعیین تکلیف می‌کند. این رأی ممکن است مربوط به تفسیر قانون باشد یا رأساً یک راه‌حل ارائه دهد و ممکن است از سوی دیوان عالی کشور یا هر مرجع قضایی دیگر صادر شود. دلیلی که این رأی مستند به آن است به گونه‌ای است که یک برد اخلاقی (متغیری) را فراتر از پرونده مورد رسیدگی، بدان می‌دهد. اما با وجود این از نظر قضایی الزام‌آور نیست. این رأی، در برابر رأی موردی قرار می‌گیرد، زیرا منظور از آن این است که برای مسأله مربوطه، یک راه‌حل کلی ارائه دهد.

Vocabulaire juridique, Sous la dir. G. Cornu, PUF 1996, p. 674 (مترجم).

داد. حال که مسأله به این شکل فیصله یافته است، بحث تفصیلی درباره دلایل مختلف آن، بی‌فایده خواهد بود. با وجود این، نمی‌توان نظریه‌های حقوقی در این زمینه را نادیده گرفت، زیرا بیان چکیده دیدگاه‌های مختلف، برای تعیین اهمیت راه‌حلی که در نهایت پذیرفته شد ضروری است.

الف - نظریه‌های حقوقی

دلایل موافق و مخالف قابلیت استناد به تقصیر زیان‌دیده مستقیم، علیه زیان‌دیدگان غیرمستقیم

نویسندگان معتقدند که عقل سلیم، اخلاق و به ویژه انصاف، به قابلیت استناد حکم می‌کند، اما این ملاحظات به هیچ‌وجه قاطع نیستند، زیرا از یک سو نظر خواننده این است که اگر زیان‌دیده مستقیم زنده بود، تا این حد، علیه او سختگیری نمی‌شد و حال که با زیان‌دیده غیرمستقیم روبروست، بیشتر علیه او سختگیری می‌شود. از سوی دیگر، خواهان نیز عنوان می‌کند که در ورود زیان، هیچ دخالتی نداشته است و لذا از بیمه‌گر شخص ثالث می‌خواهد تا زیان او را به طور کامل جبران کند. بنابراین، براساس این دو وضعیت متفاوت، «انصاف» تفاوت می‌کند و عقل سلیم، اجازه تصمیم‌گیری قاطع را نمی‌دهد.^{۶۴}

۶۴. در این زمینه رک.

J. DUPICHOT, *Des préjudices réfléchis nés de l'atteinte à la vie ou à l'intégrité corporelle*, LGDJ, 1969, préface de J. FLOUR. n^o 252, p.282.

در واقع، کل مسأله این است که آیا زیان دیده غیرمستقیم می‌تواند از نظریه «تعهد تضامنی» استفاده کند و در برابر شخص ثالثی که عامل زیان بوده است و زیان دیده مستقیم هم با فعل یا تقصیر خود، در ورود آن زیان، سهیم بوده است، به این نظریه استناد کند؟ نویسندگان، برای پاسخ به این مسأله، آن را از جنبه‌های مختلفی مورد بررسی قرار داده‌اند.

۱- آنها نخست مبنای تعهد تضامنی را مورد توجه قرار دادند تا دامنه اجرایی آن را مشخص کنند. دیدگاههای موجود در این زمینه، بسیار صراحت دارند و قائلان به «عدم قابلیت تقسیم رابطه سببیت» و قائلان به نظریه موسوم به «سببیت جزئی» به شدت با یکدیگر اختلاف نظر پیدا کرده‌اند.

قائلان به برداشت بسیار موسع از «تعهد تضامنی» که معتقدند رابطه سببیت به هیچ وجه قابل تقسیم نیست، بدون هیچگونه تردیدی از نظریه عدم قابلیت استناد به تقسیم مسؤولیت، علیه زیان دیده غیرمستقیم، دفاع می‌کنند.^{۶۵} آنها عنوان می‌کنند که شخص ثالث، موظف است که خسارت را به طور کامل جبران کند، زیرا با وجود آنکه زیان دیده مستقیم مرتکب تقصیر شده است، «او عامل ورود کل خسارت است» زیرا «نمی‌توان تصور کرد که کسی، کمتر از کل خسارت را به بار آورد». براین اساس، خواننده نمی‌تواند برای کاهش غرامتی که باید برای جبران خسارت غیرمستقیم بپردازد، به عمل اشخاص دیگر - حتی عمل زیان دیده مستقیم - استناد کند.

۶۵. به ویژه شاباس (Chabas) و استارک (Starck) در منابع ذکر شده است.

این در حالی است که در حال حاضر، این اعتقاد که عدم مطلق قابلیت تقسیم رابطه سببیت، توجیهی برای تعهد تضامنی باشد، چندان طرفدار ندارد. اما مخالفان این توجیه، که ضرورت حمایت از زیان‌دیده در برابر خطر تعدد پیگردها را توجیه‌کننده تعهد تضامنی می‌دانند، بر این باورند که رویه قضایی می‌تواند قلمرو اجرای تعهد تضامنی را محدود کند. آنها معتقدند که دقیقاً در رابطه میان خواننده و زیان‌دیده غیرمستقیم، در صورتی که زیان‌دیده مستقیم مرتکب تقصیر شده باشد، می‌توان تعهد تضامنی را مردود دانست، چرا که از نظر آنها تعهد تضامنی مستلزم وجود «مسئولیت مشترک» است که در فرض مورد نظر، چنین مسئولیت مشترکی وجود ندارد، زیرا زیان‌دیده در قبال زیان‌دیدگان غیرمستقیم، مسؤول مرگ خود یا جراحات خود نیست. آنها بر این اساس، به اصل «همبستگی خانوادگی» - که می‌تواند مانع اجرای مسئولیت میان خویشاوندان نزدیک شود - اشاره می‌کنند و همچنین به عدم «مسئولیت شخص، در برابر خود» استناد می‌کنند که بر مبنای آن، افراد به علت زیان‌هایی که به خود وارد می‌کنند در برابر هیچ کس مسئولیت ندارند. وقتی «مشارکت» وجود نداشته باشد، نمی‌توان قائل به تعهد تضامنی شد. به علاوه، اجرای این تضمین مستلزم آن است که عاملان خسارت بتوانند به یکدیگر رجوع کنند، در حالی که اگر بپذیریم که زیان‌دیده مستقیم هیچگونه مسئولیتی در قبال زیان‌دیده غیرمستقیم ندارد، این رجوع غیرممکن است و علاوه بر این، معمولاً قائلان به نظریه موسوم به «سببیت جزئی»، در صورتی که زیان‌دیده مستقیم مرتکب تقصیر شده باشد، با تقسیم

گرامت موافق هستند. به عبارت دیگر، آنها معتقدند که می‌توان در برابر زیان‌دیده غیرمستقیم، به تقسیم مسئولیت استناد کرد.

بحث در این زمینه، به دو دیدگاه کاملاً متفاوت می‌انجامد، چرا که از یک سو، عده‌ای به «عدم قابلیت تقسیم رابطه سببیت» اعتقاد دارند و عده‌ای دیگر، معتقد به «سببیت جزئی» هستند. اما در واقع، دلایلی که دو گروه عنوان می‌کنند هیچ‌یک قانع‌کننده‌تر از دیگری نیست، زیرا هر دوی آنها به مقدماتی تکیه می‌کنند که بحث‌برانگیز و قابل مناقشه است. اینکه سببیت غیرقابل تقسیم باشد یک ادعای کاملاً بی‌مناست، زیرا تجربه روزانه، خلاف آن را نشان می‌دهد. ادعای اینکه باید یک «مسئولیت مشترک» وجود داشته باشد نیز قانع‌کننده نیست، زیرا تعدد مسؤولان، به هیچ وجه، شرط تعهد تضامنی نیست و این تعهد، به طور بسیار گسترده‌ای، حتی فراتر از قلمرو مسئولیت مدنی و به نفع برخی از بستانکاران - که دادگاهها حمایت ویژه از آنان را مفید می‌دانند - نیز به اجرا درمی‌آید.^{۶۶} به علاوه، این ادعا که زیان‌دیده مستقیم به علت مرگ یا جراحاتش، هیچگونه مسؤولیتی در قبال نزدیکانش ندارد، قابل مناقشه است، زیرا صرف پیوند خویشاوندی که ممکن است میان زیان‌دیده مستقیم و زیان‌دیده غیرمستقیم وجود داشته باشد - گرچه همیشه با همدیگر، رابطه نداشته باشند - مانع اقامه دعوی مسؤولیت نمی‌شود و این دعوا همواره در میان اعضای یک خانواده، مقبول واقع می‌شود.^{۶۷}

۶۶. به ویژه این تعهد، به نفع کسانی که از حق نفقه برخوردارند وجود دارد و زیان‌دیده یک حادثه، در برابر بیمه‌گر مسؤولیت عامل زیان، می‌تواند به این تعهد استناد کند.

67. F. CHABAS, *Du lien de paremié ou d'alliance entre la victime et l'auteur du dommage*, Mélanges Marty, p. 291 et s; C. LARROUMET, note au JCP, 1976, II.18444.

بنابراین، به اعتقاد ما دلایلی که هر یک از قائلان به «عدم قابلیت تقسیم رابطه سببیت» و «سببیت جزئی» عنوان می‌کنند، هیچکدام قانع‌کننده نیستند. دیدگاه‌های دیگری نیز بدون توجه به این دو جهت، مطرح شده است.

۲- نویسندگان، به مسأله ارتباط میان زیان مستقیم و زیان غیرمستقیم اشاره کرده‌اند. در این زمینه نیز دیدگاه‌های متعارضی مطرح شده است. برخی از آنها بر این باورند که چون زیان‌دیده غیرمستقیم، «قائم مقام» زیان‌دیده مستقیم است «نباید از حقی بیش از حق مورث خود برخوردار باشد». بنابراین، همان استثنائاتی که اگر خود مورث، اقامه دعوا می‌کرد علیه او قابل استناد بود، به ویژه تقسیم مسئولیت، باید علیه زیان‌دیده غیرمستقیم نیز قابل استناد باشد. اما برخی دیگر از نویسندگان معتقدند که حق جبران خسارت زیان‌دیده غیرمستقیم نسبت به حق جبران خسارت زیان‌دیده مستقیم از استقلال کامل برخوردار است.^{۶۸} بعضی دیگر نیز نظر میانه‌ای اتخاذ کرده‌اند که بر مبنای آن، اصل استقلال را می‌پذیرند اما آن را تعدیل می‌کنند و فعلی که زیان مستقیم و زیان غیرمستقیم را وارد آورده است یک فعل واحد می‌دانند. خواهیم دید که دیوان عالی کشور، برای پایان دادن به این بحث، در ۱۹ ژوئن ۱۹۸۱، همین نظر را پذیرفت.

۳- با وجود این، دیدگاه دیگری وجود دارد که گرچه کمتر مطرح می‌شود، اما احتمالاً در شکل‌گیری راه‌حل نهایی نقش مهمی ایفا کرده

۶۸. رک.

H.L. et J. MAZEAUD, *Traité*, t.II, 6^e éd., n^{os} 1877 et 1901; G. VINEY, *L'autonomie du droit à réparation de la victime initiale par rapport à celui de la victime par ricochet*, D., 1964, ch. p. 3.

است. این دیدگاه، مربوط به «رجوع احتمالی شخص ثالث به ورثه زیان دیده مستقیم» است. این رجوع که جز در صورت پذیرش «عدم قابلیت استناد» قابل تصور نیست، ممکن است در این حالت، فایده این راه حل را برای زیان دیدگان کاهش دهد و پیچیدگیهایی را بوجود آورد. اگر این راه حل، پذیرفته می شد شاید بهتر بود که این رجوع، ممنوع شود و یا موارد آن محدود گردد.^{۶۹} شاید تمایل به جلوگیری از این مشکل، در تصمیمی که هیأت عمومی دیوان عالی کشور اتخاذ کرد، تأثیر گذاشته باشد، زیرا خواهیم دید که دادگاهها در تصمیم گیری در خصوص این مسأله، به شدت دچار تردید هستند.

ب- موضع رویه قضایی

۱- قابلیت استناد به تقصیر زیان دیده مستقیم علیه زیان دیدگان غیرمستقیم
 اختلاف نظر دادگاهها و مقاومت اصحاب دعوا در برابر احکام صادره، دیوان عالی کشور را وادار کرد که موضع خود را در این زمینه، مشخص کند. شعبه کیفری دیوان که به نظر می رسد برای نخستین بار به چنین موردی رسیدگی می کرد رأی به قابلیت استناد داد، اما از ۳۱ مارس ۱۹۶۰ به بعد، رأی به عدم قابلیت استناد صادر کرد. از آنجا که شعبه دوم مدنی دیوان عالی کشور نیز همین راه حل را پذیرفت به نظر می آمد که راه حل مذکور تثبیت شده است، اما مخالفت سرسختانه چند دادگاه تجدیدنظر باعث شد که شعبه مختلط دیوان عالی کشور در ۲۵ نوامبر ۱۹۶۴، «قابلیت استناد» به تقصیر زیان دیده مستقیم در برابر زیان دیدگان

۶۹. مثلاً این امکان وجود داشت که به بیمه گر مسؤولیت، اجازه داده نشود تا به آن استناد کند.

غیرمستقیم را بپذیرد. در عین حال، گرچه این رأی تا بیش از ده سال مورد انتقاد واقع نشده بود، اما چون علل مبنایی خود را ذکر نکرده بود جایگاه واقعی آن، تا حدودی دچار ابهام شد. سپس شعبه دوم مدنی دیوان عالی کشور، بارها رأی داد که زیان‌دیده مستقیم، در قبال زیان‌دیدگان غیرمستقیم مسؤولیتی ندارد. بیشتر شارحان، این نتیجه را از آن استنباط کردند که این عدم مسؤولیت، دقیقاً توجیه‌کننده قابلیت استناد به تقصیر زیان‌دیده مستقیم است و زیان‌دیده غیرمستقیم نمی‌تواند به مسؤولیت تضامنی استناد کند، زیرا با دو بدهکار مسؤول روبرو نیست. بعدها این تحلیل مورد تأیید قرار گرفت، زیرا از زمانی که شعبه دوم مدنی دیوان عالی کشور، رفته رفته، سختگیری کمتری در مورد اصل عدم مسؤولیت زیان‌دیده مستقیم در برابر نزدیکانش نشان داد، تمایل خود را به کنار گذاشتن راه‌حل پذیرفته شده در سال ۱۹۶۴ توسط شعبه مختلط دیوان کشور نیز نشان داد و پس از صدور چند رأی که در مورد آنها جای تردید و سؤال وجود دارد،^{۷۰} در سال ۱۹۸۷ کاملاً از موضع شعبه مختلط فاصله گرفت؛ زیرا در آرای صادره توسط شعبه دوم مدنی آمده بود که تقصیر زیان‌دیده مستقیم علیه زیان‌دیدگان غیرمستقیم قابل استناد نیست. این تغییر جهت، مجدداً به بحثها دامن زد.^{۷۱}

۷۰. به عنوان نمونه رک.

Civ. 2^e, 5 avr. 1973, D. 1973, IR, p. 136, Crim. 26 mars 1974, D., 1974, IR, p. 109, JCP, 1974, IV, p. 177.

مورد اخیر، مربوط به زیان‌دیده مستقیم دارای عارضه‌های پیشین بود.

۷۱. پس از صدور این آراء، بسیاری از دادگاههای تجدیدنظر، وفاداری خود را به اصل قابلیت انتساب اعلام داشتند.

رئیس دیوان عالی کشور برای آنکه هرچه سریع‌تر، رویه قضایی را یکنواخت کند تصمیم گرفت تا دو پرونده را که همین مسأله در آنها مطرح شده بود به هیأت عمومی دیوان عالی کشور ارجاع دهد. با وجود آنکه در هر دو پرونده، تقصیر زیان‌دیده مستقیم به اثبات رسیده بود، دادگاههای تجدیدنظر خسارت زیان‌دیدگان غیرمستقیم را به طور کامل قابل جبران اعلام کرده بودند. استناد فرجام‌خواهی علیه دو رأی مذکور، این بوده که اصل قابلیت استناد به تقسیم مسؤلیت - که علیه زیان‌دیده مستقیم، مورد حکم قرار گرفته بود - رعایت نشده است. هیأت عمومی دیوان عالی کشور، هر دو رأی را به یک دلیل، نقض کرد. در رأی هیأت عمومی که به تاریخ ۱۹ ژوئن ۱۹۸۱ صادره شد^{۷۲} آمده است:

«مطابق ماده ۱۳۸۲ قانون مدنی، کسی که با تقصیر خود به دیگری زیان رسانده باشد (حتی اگر این تقصیر، یک جرم کیفری باشد)، اگر ثابت کند که تقصیر زیان‌دیده در ایراد خسارت تأثیر داشته است از بخشی از مسؤلیتی که به عهده‌اش است معاف می‌شود و در این زمینه فرقی نمی‌کند که خود زیان‌دیده درخواست خسارت کرده باشد و یا یک شخص ثالث به نام خودش، جبران خسارت شخصی ناشی از مرگ زیان‌دیده یا آسیب جسمی به او را خواسته باشد و یا اینکه موضوع دعوی شخص ثالث (حتی اگر وی، وارث زیان‌دیده باشد) با موضوع دعوایی که زیان‌دیده مذکور

72. Ass. plénière, 19 juin 1981, *Mandin et Rochais c/Dame Foubert, Durovray et Garantie mutuelle des fonctionnaires c/Caisse primaire d'assurance maladie de l'Ain et Ménétrier*, 2 arrêts. D. 1982, p. 85, concl. J. CABANNES, note F. CHABAS, JCP, 1982. II. 19172, rapport A. PONSARD, Gaz. Pal., 1981, 2, p. 529, note J. BORÉ, Defrénois, 1981, art. 32733, n° 89, obs. J.L. AUBERT, RTD civ. 1981, p. 857, obs. G. DURRY.

می‌توانست اقامه کند متفاوت باشد، زیرا دعوی شخص ثالث، از هر لحاظ، مبتنی بر همان فعل اولیه است.»

۲- ارزیابی

ملاحظه می‌شود که این اصل که بر مبنای آن، اگر مسئولیت میان خواننده و زیان دیده مستقیم تقسیم شده باشد، این تقسیم علیه زیان دیده غیرمستقیم نیز قابل استناد است، هیچ ابهامی ندارد. شعبه‌های مختلف دیوان عالی کشور، از جمله شعبه دوم مدنی از این موضع هیأت عمومی پیروی کردند. قانون ۵ ژوئیه ۱۹۸۵ راجع به جبران خسارت زیان دیدگان حوادث رانندگی نیز همین راه حل را پذیرفته است. مطابق ماده ۶ قانون مذکور: «اگر بر اثر زیانهای وارده به زیان دیده مستقیم یک حادثه رانندگی، به یک شخص ثالث هم زیان وارد شود، این زیان، با احتساب محدودیتها و ممنوعیتهای قابل اجرا بر جبران این خسارتهای قابل جبران خواهد بود». این نشانگر کلیت یافتن قاعده قابلیت استناد است.

باید به این نکته اشاره کرد که مبنای این قاعده، به هیچ وجه، عدم مسئولیت زیان دیده مستقیم در قبال زیان دیدگان غیرمستقیم نیست و هیچ یک از دو رأی که توسط هیأت عمومی دیوان عالی کشور صادر شده است کوچکترین اشاره‌ای به این مسأله ندارد، بلکه صرفاً قضیه از این قرار است که وضعیت زیان دیده غیرمستقیم، از لحاظ جبران خسارت، همانند وضعیت زیان دیده مستقیم شود. بنابراین، دو رأی مذکور، در خط تحول مورد بحث جای می‌گیرند که هدف آن، قرار دادن جبران «زیان غیرمستقیم» در تحت

همان قواعد حاکم بر جبران زیان مستقیم است.^{۷۳} این گرایش معایبی دارد و در صورت افراطی شدن می‌تواند حتی اصل استقلال خسارت غیرمستقیم را زیر سؤال ببرد و کارآیی جبران آن را مورد تهدید قرار دهد. با وجود این، باید پذیرفت که موضع آرای مورد بحث یک موضع میانه است، زیرا هر دو رأی صراحتاً اشاره می‌کنند که «دعوای شخص ثالث (زیان‌دیده غیرمستقیم) از دعوایی که زیان‌دیده مستقیم، می‌توانست اقامه کند مجزا است». از سوی دیگر می‌توان گفت که دیوان عالی کشور در این زمینه، احتیاط کرده است زیرا فقط به «تقصیر زیان‌دیده» اشاره می‌کند نه به «فعل بدون تقصیر».

بنابراین نباید اهمیت این آرا را نادیده گرفت، زیرا آرای مذکور، به عامل خسارت یعنی عملاً به بیمه‌گر او این امکان را می‌دهند تا در بیشتر موارد، خسارتی را که به زیان‌دیدگان غیرمستقیم تعلق می‌گیرد کاهش دهند. آیا این رویه، تأسف آور است یا خوشحال‌کننده؟ پاسخ به این پرسش برحسب تمایلات، منافع و استنباطهای افراد، متفاوت است. ما به نوبه خود به ذکر این نکته اکتفا می‌کنیم که راه‌حل مذکور، از لحاظ قضایی، کاملاً قابل دفاع است و از لحاظ عملی نیز - اگر بیمه مسؤلیت وجود نمی‌داشت - همینطور بود. اما با توجه به این وضعیت، تنها تأثیر راه‌حل مذکور این است که بخشی از کارآیی نهاد مسؤلیت مدنی را در زمینه حمایت از زیان‌دیدگانی که در معرض خطرات هستند از آن می‌گیرد و این در حالی است که هدف مسؤلیت مدنی، دقیقاً انجام همین حمایت است. راه‌حل

۷۳. رک.

J. FLOUR et J. L. AUBERT, *Les obligations*, 2, *Le fait juridique*, op.cit., n^o 356.

مذکور، دین مسؤول را نیز کاهش نمی‌دهد، چرا که او در هر حال حق بیمه خود را می‌پردازد. به علاوه، این راه حل هزینه‌های بیمه‌گران را نیز کم نمی‌کند و آنها نیز بر اثر ترافی که تقریباً به طور اجتناب‌ناپذیر در زمینه ارزیابی تقسیم مسؤولیتها به وجود می‌آید بخش بزرگی از آنچه را که به دست می‌آورند از دست می‌دهند.

به هر حال، این آرا که حداقل نشان می‌دهند که حقوق سنتی مسؤولیت مدنی با ضرورت‌های جبران خسارات جسمی ناشی از حادثه هماهنگی ندارد، باید حقوقدانان یا به طور کلی‌تر، شهروندان ذنفع را بر آن دارد تا از قانونگذار بخواهند که مکانیسم‌های مناسبی را برای جبران این خسارات، وضع کند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی